



The Differential Criminal Policy of Increasing and Mitigating Punishments in the Armed Forces Law (Comparative Study of the Islamic Republic of Iran and the United States of America)

سیاست کیفری افتراقی تشدید و تخفیف مجازات‌ها در قانون نیروهای مسلح (مطالعه تطبیقی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا)

Yasser Shakeri
PhD in Criminal law and Criminology

یاسر شاکری
دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی

sssf200@gmail.com
<http://orcid.org/0000-0001-7732-8125>

Abstract

Background and purpose: The importance and necessity of analyzing the differential criminal policy against the crimes of the armed forces has an undeniable effect in preventing the occurrence of crimes. It is impossible to ignore the adoption of a discriminatory and effective criminal policy regarding some crimes, including military crimes, which have a sensitive nature, and the slightest tolerance against them leads to the destruction of the order and security of the society. The necessity of revision is generally related to the adopted policies and the way of their implementation. Therefore, it seems necessary to examine the criminal policy governing the two countries regarding the substantive crimes of the armed forces, to find out the decisions made in this area and, if possible, to revise the laws of the Iranian armed forces.

Method: The present research was carried out with a descriptive-analytical method.

Findings: In both the criminal systems of the Islamic Republic of Iran and the United States of America, the legislator has mentioned the issue of increasing punishment and reducing punishment in the armed forces.

Conclusion: The results of the research indicate that in the criminal system of the Islamic Republic of Iran, the reduction of punishment is possible according to the opinion of the court issuing the sentence, but in the law of the United States of America, in addition to the court issuing the sentence, it is also possible according to the opinion of the military commanders. In the criminal system of the armed forces of the Islamic Republic of Iran, in the cases of silence of the Law on the Punishment of Crimes of the Armed Forces approved in 2003, the aggravating qualities stipulated in the Islamic Penal Law approved in 2013 are applied to military personnel, but in the criminal system of the United States of America, the punishment is intensified according to the law of the armed forces. It takes place in the United States of America.

Keywords: Aggravation of Punishment, Mitigation of Punishment, Armed Forces.

چکیده

زمینه و هدف: اهمیت و ضرورت واکاوی سیاست کیفری افتراقی در قبال جرائم نیروهای مسلح تأثیر انکارناپذیری در جلوگیری از وقوع جرائم دارد. نمی‌توان از اتخاذ سیاست کیفری افتراقی و کارا درخصوص پاره‌ای از جرائم از جمله جرائم نظامی که دارای ماهیتی حساس می‌باشد و کوچک‌ترین تسامح در مقابل آن منجر به به هم خوردن نظم و امنیت جامعه می‌شود تغافل کرد. ضرورت بازنگری به طور اعم هم مربوط به خود سیاست‌های اتخاذی است و هم مربوط به نحوه اجرای آن است. لذا ضروری به نظر می‌رسد تا با بررسی سیاست کیفری حاکم بر دو کشور پیرامون جرائم ماهوی نیروهای مسلح، تصمیمات اتخاذ شده در این حوزه را دریافته و در صورت امکان در جهت اصلاح قوانین نیروهای مسلح ایران مورد بررسی قرار گیرد.

روش: پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است.

یافته‌ها: در هر دو نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا قانونگذار به موضوع تشدید مجازات و تخفیف مجازات در نیروهای مسلح اشاره نموده است.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حاکی از آن است که در نظام کیفری نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران تخفیف مجازات مطابق نظر دادگاه صادرکننده حکم می‌باشد ولی در قانون نیروهای مسلح ایالات متحده امریکا علاوه بر دادگاه صادرکننده حکم، مطابق نظر فرماندهان نظامی نیز امکان پذیر می‌باشد. در نظام کیفری نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در موارد سکوت قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ کیفیات مشدده مقرر در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نسبت به افراد نظامی مجری می‌باشد، ولی در نظام کیفری نیروهای مسلح ایالات متحده امریکا تشدید مجازات طبق قانون نیروهای مسلح ایالات متحده امریکا صورت می‌پذیرد.

واژگان کلیدی: تشدید مجازات، تخفیف مجازات، نیروهای مسلح.

Received: 2023/05/09 - Review: 2023/07/04 - Accepted: 2023/07/31

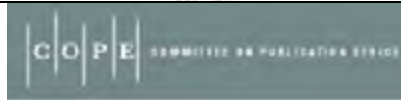
دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۰۹ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۰۴ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۳۱

ارجاع:

شاکری، یاسر؛ (۱۴۰۲)، سیاست کیفری افتراقی تشدید و تخفیف مجازات‌ها در قانون نیروهای مسلح (مطالعه تطبیقی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا)، تمدن حقوقی، شماره ۱۵.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



مقدمه

قانون زمانی عادلانه است که براساس برابری اشخاص وضع شود. به عبارتی در میزان اعمال، افراد در برابر قانون برابر فرض شده و در صورتی که مرتکب اعمال یکسان شوند، قانون به گونه‌ای یکسان با آن‌ها برخورد نماید. این امر اصل اولیه در هر سیستم عدالت کیفری می‌باشد. همیشه این گونه نیست که بتوان اقدام یکسان در برابر افراد را عادلانه فرض نمود، بلکه در برخی موارد مقتضای عدالت متفاوت با افراد می‌باشد. این امر در فلسفه سیاسی «جان رالز»^۱ که از آن به «عدالت انصافی»^۲ تعبیر می‌شود به خوبی

۱- جان رالز (John Rawls) زاده بیست و یکم فوریه ۱۹۲۱- درگذشته بیست و یکم نوامبر ۲۰۰۲ فیلسوف لیبرال آمریکایی است که به دلیل صورت‌بندی نظریه عدالت شهرت بسیار دارد. وی از چهره‌های به‌نام فلسفه سیاسی و فلسفه اخلاق در سده بیستم بود که در سال ۱۹۹۹، جایزه رالف شکاک و مدال منطق و فلسفه و علوم انسانی را دریافت کرد. اثر مشهور وی نظریه عدالت یا نظریه‌ای در باب عدالت (A Theory of Justice) (چاپ ۱۹۷۱) یکی از منابع کلاسیک فلسفه سیاسی محسوب می‌شود.

۲- نظریه عدالت در سال ۱۹۷۱ و با هدف برقراری سازش میان دو ارزش ظاهراً رقیب و آشتی‌ناپذیر یعنی آزادی و برابری، منتشر شد. راه‌حلی که رالز پیشنهاد می‌کرد، بده‌بستانی نبود که ادعای اخلاقی یکی از این دو را در مقایسه با دیگری تضعیف کند بلکه هدف او این بود که نشان بدهد مفاهیم آزادی و برابری را می‌توان در قالب وحدتی یکپارچه ادغام کرد که رالز آن را عدالت به‌متابه انصاف می‌نامد. رالز در این کتاب می‌کوشد نشان بدهد که تضاد مفروض میان آزادی و برابری، غیرواقعی و گمراه‌کننده است. رالز یک سناریوی فرضی را مطرح می‌کند که در آن گروهی از افراد باید درباره نوع ساختار سیاسی و اقتصادی‌ای که برای جامعه می‌خواهند به توافق برسند و سپس خود در همان جامعه زندگی کنند. اما هر فرد باید از پشت حجاب جهل تصمیم بگیرد: هیچ‌یک از افراد نمی‌داند که در آن جامعه چه جایگاه، جنسیت، نژاد، سن، درجه‌ای از هوش،

نمایان شده است (مهرآ و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۸۲). رالز دو اصل عدالت را برای هر جامعه سیاسی برشمرده است. این دو اصل عبارتند از: اصل نخست، هر شخص قرار است حق برابری نسبت به گسترده‌ترین آزادی اساسی سازگار با آزادی مشابه دیگران داشته باشد. اصل دوم، قرار است نابرابری‌های اجتماعی و

ثروت، مهارت، تحصیلات یا مذهب خواهد داشت. تنها چیزی که هریک از اعضای این گروه می‌داند این است که چند ظرفیت اساسی لازم برای مشارکت در نظام همکاری مشترک را دارا خواهد بود و می‌تواند عضوی از جامعه باشد. رالز دو ظرفیت اساسی که هریک از افراد می‌داند در اختیار دارد را ذکر می‌کند. اول، افراد می‌دانند که ظرفیت شکل‌دهی، دنبال‌کردن و بازبینی مفهومی از خیر، یا برنامه زندگی را دارند. اما اینکه چه نوع مفهومی از خیر باشد را فرد هنوز نمی‌داند. ممکن است خیر مذهبی یا سکولار باشد، اما فرد در ابتدای کار نمی‌داند کدامیک. دوم، هر فرد می‌فهمد که ظرفیت ایجاد حسی از عدالت و میلی مؤثر برای پای‌بندی به آن را داراست. افراد فقط این دو خصوصیت را درباره خودشان می‌دانند و گروه شروع به بحث می‌کند تا یک ساختار اجتماعی را طراحی کند و طی بحث، هر فرد در پی بیشینه‌کردن نفع خود خواهد بود. ایده پشت این سناریو این است که پیشنهادهایی که ما در حالت عادی آن‌ها را ناعادلانه می‌بینیم (مثلاً اینکه سیاهپوستان یا زنان نباید حق تصدی مشاغل عمومی را داشته باشند) پیشنهاد نخواهد شد، که در واقع همان موضع اصلی رالز است، چون طرح چنین پیشنهادهایی غیرعقلانی است. دلیلش ساده است: هیچ کس نمی‌داند که آیا خود او زن یا سیاهپوست خواهد بود یا خیر. این موضع در «اصل تفاوت» منعکس می‌شود که به موجب آن، در نظامی که هرکس نسبت به وضعیت خود جاهل باشد، فرد تلاش می‌کند موقعیت ضعیف‌ترین فرد را ارتقاء بدهد چون ممکن است خودش دقیقاً در آن جایگاه قرار بگیرد. رالز در نظریه عدالت می‌نویسد: «عدالت اولین فضیلت برای نهاد اجتماعی است، همچنان که حقیقت برای نظام تفکر». عدالت از نظر رالز مقدم بر خوشبختی است. خوشی و کامیابی آنگاه به‌عنوان یک ارزش مثبت تلقی می‌شود که عادلانه بودن آن محرز باشد. عدالت چهارچوبی است که افراد مختلف در آن فرصت پی‌گرفتن آمل و ارزش‌های موردنظر خود را پیدا می‌کنند. دو اصل نظریه بازبینی شده عدالت رالز بدین قرار است: هر شخصی نسبت به طرحی کاملاً کافی از آزادی‌های اساسی برابر که با طرح مشابهی از آزادی‌ها برای همگان همساز باشد، حق لغو نداشتن یکسان دارد؛ نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی به دو شرط قابل قبول هستند: باید مختص به مناصب و مقام‌هایی باشند که تحت شرایط برابری منصفانه فرصت‌ها باب آن‌ها به روی همگان گشوده است. این نابرابری‌ها باید بیشترین سود را برای محروم‌ترین اعضای جامعه داشته باشند (اصل تفاوت). به عقیده رالز: «نابرابری در جامعه تنها در صورتی قابل توجیه است که با اعمال آن طیف وسیع‌تری از گزینه‌های مطلوب‌تر به روی محرومان گشوده شود که در صورت حذف شان گزینه‌های یادشده از بین خواهد رفت». رالز عدالت را تبلور انصاف می‌داند و می‌گوید در وضع نخستین که تا حدی مشابه مفهوم وضع طبیعی است، آدمیان می‌خواهند جامعه مدنی تشکیل دهند و به‌ناچار روی اصولی معقول و منصفانه توافق می‌کنند. نقشی که این اصول در تفکیک حقوق، تکلیف‌ها و تقسیم مزایای اجتماعی برعهده می‌گیرد همان است که مفهوم عدالت نامیده می‌شود. رالز در تبیین این نظریه، روش خود را روشی مبتنی بر تعادل اندیشه‌ورزانه توصیف می‌کند، مفهومی که از آن پس در سایر حوزه‌های فلسفه نیز به کار رفته است. تعادل اندیشه‌ورزانه هنگامی به دست می‌آید که فرد، از یک سو اصول کلی خود، و از سوی دیگر قضاوت‌های سنجیده‌شده خود در موارد خاص را متقابلاً حک و اصلاح کند و این دو را با یکدیگر به تعادل برساند.

اقتصادی به گونه‌ای ساماندهی شوند که به نحو معقول انتظار رود به سود همگان باشد و وابسته به مشاغل و مناصبی باشد که دسترسی به آن‌ها برای همگان امکان پذیر است (رالز، ۱۳۸۷، ۱۱۰). بنابراین، تفاوت گاهی عادلانه است مشروط بر آن که افراد در این تفاوت برابر باشند و تمام اشخاصی که شرایط لازم را دارند فرصت برابر در بهره‌برداری از این تفاوت را داشته باشند. این امر در حقوق کیفری نیز وجود دارد. در حقوق کیفری اصل اولیه آن است که اشخاصی که مرتکب رفتارهای مجرمانه یکسان می‌شوند، باید به طور یکسان کیفر شوند. با این حال در صورتی که شرایطی وجود داشته باشد که آن‌ها را مستحق بهره از نهادهای ارفاقی و یا تخفیف نماید و یا آن‌ها را مستحق تشدید کیفر کند، این نابرابری ناقص اصل برابری در مقابل قانون نیست. شروط بر آن که این نهادها برای همگانی که از آن شرایط بهره‌مند هستند به طور یکسان اعمال شوند (مهرا و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۸۳).

از نظر منطقی و عقلی مبنای تخفیف کیفر در درجه اول یک مبنای طبیعی است چرا که براساس نظریه مدافعین قانون طبیعی، بهترین قانون همانا آن است که با رعایت مصالح طبیعی وضع شود. در این صورت می‌تواند با حفظ دوام و بویایی خود، نیازهای بشری را به بهترین نحو تأمین نماید. از آنجایی که واضعین قوانین برای حفظ نظم و ترتیب جامعه مقرراتی را وضع می‌نمایند، این مقررات می‌بایست ضمن رعایت عدالت، به طبیعت انسان نیز توجه نمایند تا علاوه بر این که در مرحله اجرا با سهولت اجرا شوند، در عین حال به شیوه‌ای مطلوب سلامت جامعه را حفظ نمایند. بدین لحاظ چون افراد انسانی از نظر شرایط محیط، درک و فهم و طرز تفکر و غیره یکسان نیستند واضح است که اعمال و رفتار آن‌ها نیز به یک شکل نباشد. بنابراین، مجازات آن‌ها نیز از نظر خفت و شدت می‌بایست تفاوت داشته باشد و این شیوه به عدالت نزدیکتر است و از این روی ایجاب می‌کند که همه افراد با یک چشم دیده نشوند و مجازات برخی با برخی دیگر متفاوت و متمایز باشد. بنابراین، در نظر گرفتن کیفیات مخففه در اعمال مجازات از نظر منطقی و عقلی یک امر کاملاً بدیهی و طبیعی به نظر می‌رسد که بدون در نظر گرفتن آن‌ها ممکن است برخی آزادی‌های فردی فدای عدم انعطاف قوانین یکسان و سنگین شود (ایسپره، ۱۳۸۹، ۴۲).

در جهت فردی کردن مجازات‌ها قاضی بایستی استحقاق و عدم استحقاق بزهکار در بهره‌مندی از تخفیف و مسامحه را با در نظر گرفتن خصوصیات، شرایط، اوضاع و احوال مربوط به مرتکب، جرم و آثار آن، بررسی نماید. در این خصوص، نیاز است که قانونگذار دامنه عواملی که موجب تخفیف می‌باشند را مشخص نماید و قاضی در جهت احراز آن عوامل اقدام نماید (صبوری پور و رهبر، ۱۳۸۹، ۸). یکی از مهم‌ترین مسائلی که در دادرسی‌های کیفری و در مرحله تعیین مجازات مورد توجه قرار می‌گیرد، موضوع

تخفیف و تبدیل مجازات است. قاضی کیفری در راستای اصل فردی کردن مجازات‌ها سعی می‌کند با در نظر گرفتن شرایط و ویژگی‌های متهم، مجازات متناسبی را در مورد او تعیین کند. در این راستا اختیاراتی که در زمینه تخفیف و تبدیل مجازات‌ها در قوانین جزایی پیش‌بینی شده است از مهم‌ترین ابزارهایی است که در جهت تعیین مجازات متناسب به قاضی کمک می‌کند. هرچند دادگاه‌ها در خصوص تخفیف و تبدیل مجازات از اختیارات زیادی برخوردار هستند، اما در برخی از قوانین محدودیت‌های خاصی پیش‌بینی شده که دادگاه‌ها مکلف به رعایت آن هستند. برخی از این محدودیت‌ها مربوط به مقرراتی است که در دادگاه‌های عمومی لازم‌الاجراء است و برخی دیگر ناظر بر مقرراتی است که مربوط به دادگاه‌های اختصاصی است (دلیر، ۱۳۸۵، ۱). جهات و علل مخففه مجازات، موجباتی هستند که در صورت تقارن و همراهی با وقوع جرم، منجر به تخفیف مجازات مرتکب جرم می‌شوند. در قوانین جزایی مختلف، قانون‌گذاران چنین کیفیاتی را در راستای «اصل فردی کردن مجازات‌ها»^۳ پیش‌بینی نموده‌اند که در جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا نیز چنین رویه‌ای دنبال شده است و قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ و قانون دادرسی نظامی ایالات متحده آمریکا مصوب ۱۹۵۰ (اصلاحی ۲۰۰۷) چنین جهاتی را برای تخفیف مجازات مرتکبان جرایم در نظر گرفته‌اند (ایسپره، ۱۳۸۹، ۴۴). در ایالات متحده آمریکا، در «الگوی کیفردهی مفروض»^۴ که به الگوی «کیفردهی رهنمودمحور»^۵ نیز مشهور است، تعیین کیفر با توجه به رهنمودهای خاص صورت می‌گیرد؛ به گونه‌ای که در ایالاتی که از این الگو پیروی می‌نمایند، کیفیات مشدده و مخففه از قبل پیش‌بینی شده است (مهرا و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۸۱).

۳- یکی از مهم‌ترین مقوله‌های حقوق کیفری مسئله تعیین مجازات یا همان چگونگی توزیع آن است. دو اصل حاکم بر چگونگی تعیین مجازات، اصل تناسب مجازات با جرم و اصل تناسب مجازات با مجرم می‌باشد. اصل اول ملهم از مفاهیم استحقاق و سزادهی است. بدین معنا که سزادهی اقتضاء می‌کند هر کس متناسب با شدت جرمش مجازات شود؛ جرم سبک، مجازات سبک و جرم سنگین، مجازات سنگین. تناسب جرم و مجازات که رویکردی جرم‌محور است در اواخر قرن نوزدهم تا حدود زیادی جای خود را به رویکرد مجرم‌محور داد که مطابق آن مجازات نه تنها باید با جرم متناسب باشد، بلکه تناسب آن با شخصیت مجرم نیز ضروری است. اصل فردی کردن مجازات که بیانگر این معناست ناشی از تکامل حقوق کیفری در مسیر توجه به فاعل عمل مجرمانه و شخصیت اوست. رعایت اصل تناسب مجازات با جرم تنها یکی از اهداف مجازات را که همانا لازمه استحقاق مجرمان به خاطر عمل شان است، آن هم به طور عینی و غیرشخصی، تأمین می‌نماید. برای تأمین استحقاق به طور کامل‌تر و نیز مراعات سایر اهداف سودناگاران مجازات، لازم است مجازات جنبه شخصی پیدا کند. فردی کردن مجازات از عهده این کار بر می‌آید. در این معنا فردی سازی مجازات، تصحیح مجازات مبتنی بر نیازهای مجرم به عنوان یک فرد است (یزیدیان جعفری، ۱۳۸۵، ۴۲).

4- Presumptive sentencing

5- Guideline Based sentencing

براساس الگوی کیفردهی مفروض، قانون مجازات خاصی را برای هر جرم مقرر نموده است که قاضی بدوا ملزم به تعیین این کیفر می‌باشد ولی در تعیین کیفر، قاضی باید موارد خاص دیگر را که در تعیین کیفر مؤثر بوده است و در قانون یا رهنمودهای تعیین کیفر آمده است را رعایت کند. نامگذاری مجازات مفروض بر این اساس است که قانون‌گذار فرض می‌گیرد که هر فردی مرتکب جرم شده باشد، برای تعیین کیفر میزان خاصی از کیفر برای او مناسب است و به جهت همین فرض قانون‌گذار، نام الگوی کیفردهی مفروض بر آن نهاده شده است (مهرا و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۸۰).

به طور کلی می‌توان شیوه‌های کیفردهی را ذیل چند دسته تعیین نمود. این الگوها در نظام حقوقی کشورها همواره در حال تغییر می‌باشند. هریک از گونه‌های کیفردهی، بیانگر حدود اختیارات قضات در رابطه با کیفردهی است که با توجه به نظام فکری و ایدئولوژیکی جوامع و همچنین اهداف نظام عدالت کیفری، این محدوده متفاوت می‌باشند. هرچند در رابطه با الگوهای کیفردهی اختلاف نظر وجود دارد، به طور اجمالی می‌توان چهار الگوی کیفردهی را از یکدیگر متمایز نمود. این چهار الگو عبارت‌اند از کیفردهی معین، کیفردهی نامعین، کیفردهی فرضی و کیفردهی الزامی (مهرا و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۱۰). در این الگوها حسب اهداف اصلاحی یا سزادهی و مقتضیات و لوازم آن، در مورد نحوه تعیین مجازات براساس معین یا نامعین یا ثابت و غیر ثابت بودن کیفر، اختیارات قضات مشخص شده است. البته پیش از هر چیز، بایستی بر تأثیر مفهوم عدالت بر الگوی تعیین مجازات گفت. عدالت محافظه کارانه و عدالت رادیکال دو مفهوم متفاوت از عدالت است که اولی منجر به تقابل و دومی موجب تعامل اصول فردی سازی و تساوی در قبال قانون می‌شود (یزدیان جعفری، ۱۳۸۵، ۴۲). در قوانین جزایی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا به مانند همه قوانین جزایی دیگر، قانونگذار کیفیات مشدده را طی ماده‌های متفرقه پیش بینی نموده و اصولاً در این خصوص نیز تحولاتی با توجه به قوانین هر دوره دیده می‌شود (ایسپره، ۱۳۸۹، ۳۰). کیفیات مشدده، عبارت از اوضاع، احوال و شرایطی است که تقارن و همزمانی آن‌ها با ارتکاب جرم، باعث تشدید مجازات جرم ارتكابی خواهد شد که برخی از این شرایط مربوط به شخص مرتکب و برخی دیگر نیز وابسته به نوع و نحوه ارتکاب جرم می‌باشند (ایسپره، ۱۳۸۹، ۳۸).

پژوهش حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است، در پی پاسخ به این سوال است که جهات اشتراک و افتراق تشدید و تخفیف مجازات‌ها در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا چگونه می‌باشد؟

۱- سیاست کیفری تخفیف مجازات‌ها در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا

قانونگذار، نسبت به برخی جرائم سبک، رویکرد سهل گیرانه در پیش گرفته است. با توجه به سبک بودن جرائم، چنین استنباط می‌شود که مرتکبین آن‌ها، درجه خطرناکی پایینی دارند لذا چنانچه تدابیر سهل انگارانه اتخاذ شود از ورود آن‌ها در مکانیسم کیفری نظام عدالت کیفری، برچسب زنی و همچنین تبعاتی که اعمال مجازات بر فرد و جایگاه اجتماعی و فرهنگی وی دارد، جلوگیری می‌شود. از جمله این تدابیر، بایگانی پرونده (ماده «۸۰»^۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲)، تعلیق تعقیب (ماده «۸۱»^۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲) و میانجیگری (ماده «۸۲»^۸ قانون آیین دادرسی

۶- ماده ۸۰: در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد، در صورت فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری، مقام قضایی می‌تواند پس از تفهیم اتهام با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم شده است و در صورت ضرورت با اخذ التزام کتبی از متهم برای رعایت مقررات قانونی، فقط یک بار از تعقیب متهم خودداری نماید و قرار بایگانی پرونده را صادر کند. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض است.

۷- ماده ۸۱: در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آن‌ها قابل تعلیق است، چنانچه شاکی وجود نداشته، گذشت کرده یا خسارت وارده جبران گردیده باشد و یا با موافقت بزه دیده، ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شود و متهم نیز فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، دادستان می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با اخذ تأمین متناسب، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت، دادستان متهم را حسب مورد، مکلف به اجرای برخی از دستورهای زیر می‌کند: الف- ارائه خدمات به بزه دیده در جهت رفع یا کاهش آثار زیان بار مادی یا معنوی ناشی از جرم با رضایت بزه دیده. ب- ترک اعتیاد از طریق مراجعه به پزشک، درمانگاه، بیمارستان و یا به هر طریق دیگر، حداکثر ظرف شش ماه. پ- خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین، حداکثر به مدت یک سال. ت- خودداری از رفت و آمد به محل یا مکان معین، حداکثر به مدت یک سال. ث- معرفی خود در زمان‌های معین به شخص یا مقامی به تعیین دادستان، حداکثر به مدت یک سال. ج- انجام دادن کار در ایام یا ساعات معین در مؤسسات عمومی یا عام المنفعه با تعیین دادستان، حداکثر به مدت یک سال. چ- شرکت در کلاس‌ها یا جلسات آموزشی، فرهنگی و حرفه‌ای در ایام و ساعات معین حداکثر، به مدت یک سال. ح- عدم اقدام به رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و تحویل دادن گواهینامه، حداکثر به مدت یک سال. خ- عدم حمل سلاح دارای مجوز یا استفاده از آن، حداکثر به مدت یک سال. د- عدم ارتباط و ملاقات با شرکاء جرم و بزه دیده به تعیین دادستان، برای مدت معین. ذ- ممنوعیت خروج از کشور و تحویل دادن گذرنامه با اعلام مراتب به مراجع مربوط، حداکثر به مدت شش ماه. ۸- ماده ۸۲: در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آن‌ها قابل تعلیق است، مقام قضایی می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین متناسب، حداکثر دو ماه مهلت به متهم بدهد تا

کیفری مصوب ۱۳۹۲) است که این تدابیر در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ ذکر نشده‌اند؛ گاهی این امر موجب اختلاف نظر در رویکرد قضات گردیده و برخی این نهادها را ذیل ماده «۲»^۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ دانسته‌اند و از اعمال آن‌ها امتناع می‌نمایند و بسیاری دیگر از آن‌ها قائل به این تمایز شده‌اند؛ لکن اعمال نهادهای افتراقی را متناسب با نظم حاکم بر نیروهای مسلح و از طرف دیگر میزان مجازات‌های مربوطه نمی‌دانند و علیرغم توجه به تفاوت این دو دسته (تخفیف در معنای خاص و نهادهای ارفاقی)، در عمل، این تدابیر در مورد افراد نظامی قابلیت اعمال ندارند (صبروری پور و رهبر، ۱۳۸۹، ۹). ماده‌های «۳»، «۴»^{۱۱} و «۵»^{۱۲} قانون مجازات جرائم

برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. همچنین مقام قضائی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای برای میانجیگری ارجاع دهد. مدت میانجیگری بیش از سه ماه نیست. مهلت‌های مذکور در این ماده در صورت اقتضاء فقط برای یک بار و به میزان مذکور قابل تمدید است. اگر شاکی گذشت کند و موضوع از جرائم قابل گذشت باشد، تعقیب موقوف می‌شود. در سایر موارد، اگر شاکی گذشت کند یا خسارت او جبران شود و یا راجع به پرداخت آن توافق حاصل شود و متهم فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، مقام قضائی می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت، مقام قضائی متهم را با رعایت تبصره‌های ماده (۸۱) این قانون حسب مورد، مکلف به اجرای برخی دستورهای موضوع ماده مذکور می‌کند. همچنین در صورت عدم اجرای تعهدات مورد توافق از سوی متهم بدون عذر موجه، بنا به درخواست شاکی یا مدعی خصوصی، قرار تعلیق تعقیب را لغو و تعقیب را ادامه می‌دهد.

۹- ماده ۲: دادگاه نظامی مکلف است در مواردی که مجازات جرمی در این قانون ذکر شده است به استناد این قانون حکم صادر نماید. اعمال تخفیف و تبدیل نیز به موجب همین قانون خواهد بود.

۱۰- ماده ۳: در کلیه مواردی که حداکثر مجازات حبس در این قانون «تا دو سال» است دادگاه می‌تواند در صورت وجود جهات مخففه مجازات حبس را تا یک سوم حداقل مجازات قانونی جرم تخفیف داده و یا به یکی از مجازات‌های ذیل متناسب با مجازات اصلی تبدیل نماید: الف- در مورد کارکنان پایور: ۱- کسر حقوق و مزایا به میزان یک چهارم از شش ماه تا یک سال. ۲- جزای نقدی از دو میلیون ریال تا بیست میلیون ریال. ۳- محرومیت از ترفیع از سه ماه تا یک سال. ۴- انفسال موقت از خدمت از سه ماه تا شش ماه. ۵- منع اشتغال به خدمت در یک نقطه یا نقاط معین از شش ماه تا یک سال. ب- در مورد کارکنان وظیفه: ۱- اضافه خدمت از دو ماه تا چهار ماه. ۲- جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال. ۳- منع اشتغال به خدمت در یک نقطه یا نقاط معین حداقل به مدت شش ماه و حداکثر تا پایان خدمت وظیفه و در صورتی که باقیمانده خدمت دوره ضرورت کمتر از شش ماه باشد دادگاه می‌تواند مدت باقیمانده را مورد حکم قرار دهد.

۱۱- ماده ۴: در کلیه مواردی که حداکثر مجازات حبس در این قانون «بیش از دو سال تا پنج سال» است دادگاه می‌تواند در صورت وجود جهات مخففه، مجازات حبس را تا یک سوم حداقل مجازات قانونی جرم تخفیف دهد و یا به یکی از مجازات‌های ذیل متناسب با مجازات اصلی تبدیل نماید: الف- در مورد کارکنان پایور: ۱- جزای نقدی از ده

نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ (ماده «۳» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱) ناظر بر تخفیف مجازات حبس است. چنانچه مجازات قانونی جرمی حبس از یک سال تا ده سال باشد، دادگاه می‌تواند مجازات حبس را تا یک سوم حداقل یعنی چهار ماه تخفیف دهد و صدور حکم به کمتر از چهار ماه حبس خلاف قانون است. هر چند قانون‌گذار با وضع ضابطه فوق، قصد داشته در جهت یکسان سازی آراء دادگاه‌ها گام بردارد اما با توجه به این که حداقل و حداکثر مجازات حبس در این قانون از نظام معقولی برخوردار نیست، نیل به این هدف در همه موارد ممکن نیست و در بسیاری موارد موجب بی‌عدالتی خواهد بود. توضیح این که با بررسی ماده‌های مختلف قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ مشاهده می‌کنیم که مجازات حبس دارای سیزده نوع حداقل و حداکثر^{۱۳} است که از یک طرف در بسیاری موارد این تنوع و تفاوت فاقد توجیه حقوقی و منطقی است و از طرف دیگر در برخی موارد غیرعادلانه است؛ زیرا در مقایسه دو ماده قانونی از نظر اشد و اخف بردن آن که حداکثر بیشتری دارد، اشد تلقی می‌شود و به همین دلیل باید امکان تخفیف کمتری برای آن پیش بینی شود؛ در حالی که در این قانون چنین نیست. به طور مثال در شرایطی که مجازات مقرر در ماده‌های «۹۶»^{۱۴} و «۹۸»^{۱۵} قانون

میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال. ۲- محرومیت از ترفیع از شش ماه تا دو سال. ۳- تنزیل یک درجه و یا رتبه. ۴- انفصال موقت از شش ماه تا یک سال. ب- در مورد کارکنان وظیفه: ۱- جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا سی میلیون ریال. ۲- اضافه خدمت از سه ماه تا شش ماه.

۱۲- ماده ۵: در تمام مواردی که حداکثر مجازات حبس در این قانون «بیش از پنج سال» است دادگاه می‌تواند در صورت وجود جهات مخففه، مجازات حبس را تا یک سوم حداقل مجازات قانونی جرم تخفیف و یا به یکی از مجازات‌های ذیل متناسب با مجازات اصلی تبدیل نماید: الف- در مورد کارکنان پایور: ۱- جزای نقدی از سی میلیون ریال تا یکصد میلیون ریال. ۲- محرومیت از ترفیع از دو سال تا چهار سال. ۳- تنزیل یک تا دو درجه و یا رتبه. ۴- انفصال موقت به مدت یک سال. ب- در مورد کارکنان وظیفه: ۱- جزای نقدی از ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال. ۲- اضافه خدمت از شش ماه تا یک سال.

۱۳- یک ماه تا ماه؛ دو ماه تا شش ماه؛ دو ماه تا یک سال؛ سه ماه تا یک سال؛ سه ماه تا دو سال؛ شش ماه تا دو سال؛ شش ماه تا سه سال؛ یک سال تا سه سال؛ یک سال تا پنج سال؛ یک سال تا ده سال؛ دو سال تا پنج سال؛ دو سال تا ده سال؛ سه سال تا پانزده سال.

۱۴- ماده ۹۶: هر نظامی که حکم یا امضاء یا مهر یکی از فرماندهان یا مسئولان نیروهای مسلح در رده فرمانده نیرو یا هم‌مطرز و بالاتر را به اعتبار مقام آنان جعل کند یا با علم به جعل یا تزویر استعمال نماید به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌شود.

۱۵- ماده ۹۸: هر نظامی که با مباشرت یا به واسطه، مهر یکی از نیروهای مسلح را جعل کند یا با علم به جعل یا تزویر مورد استفاده قرار دهد به یک تا ده سال حبس محکوم می‌شود.

مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ حبس از یک سال تا ده سال است و مجازات مقرر در ماده‌های «۱۰۳»^{۱۶} و «۱۰۴»^{۱۷} قانون مذکور، حبس از دو سال تا پنج سال است، اختیار تخفیف در مورد اول که اشد است بیشتر خواهد بود؛ چراکه در مورد اول می‌توان متهم را به چهار ماه حبس محکوم کرد اما در مورد دوم که اخف است، تعیین حبس کمتر از هشت ماه ممکن نیست (دلیر، ۱۳۸۵، ۲). در مورد جرائمی که در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ پیش بینی نشده است، چنانچه رسیدگی به آن جرم در صلاحیت دادگاه نظامی باشد، مطابق تبصره^{۱۸} ماده «۲» قانون مذکور (ماده «۲»^{۱۹} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱)، دادگاه نظامی طبق قانون مربوط به آن جرم، تعیین کیفر می‌نماید و اعمال تخفیف و تبدیل نیز به موجب همان قانون خواهد بود.

در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ علاوه بر حبس، مجازات‌های دیگری نیز به عنوان مجازات اصلی پیش بینی شده است که با توجه به ماده «۲»^{۲۰} قانون مذکور ضوابط خاصی بر تخفیف مجازات‌های مذکور حاکم است. مطابق بند «د» ماده «۷»^{۲۱} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ (ماده «۳»^{۲۲} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱)، مجازات جزای نقدی تا

۱۶- ماده ۱۰۳: هر نظامی که در احکام و تقریرات و نوشته‌ها و اسناد و سجلات و آمار و محاسبات و دفاتر و غیر آن‌ها از نوشته‌ها و اوراق رسمی مربوط به امور نظامی و یا راجع به وظایفش جعل یا تزویر کند اعم از اینکه امضاء یا مهری را ساخته و یا امضاء یا مهر یا خطوطی را تحریف کرده یا کلمه‌ای را الحاق کند یا اسمی اشخاص را تغییر دهد به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌گردد.

۱۷- ماده ۱۰۴: هر نظامی که در تحریر نوشته‌ها، قراردادها و مقاله‌نامه‌های راجع به وظایفش مرتکب جعل یا تزویر شود اعم از اینکه موضوع یا مضمون آن را تغییر دهد یا گفته یا نوشته یکی از مقامات یا تقریرات یکی از طرف‌ها را تحریف کند یا امر باطلی را صحیح و یا صحیحی را باطل یا چیزی را که به آن اقرار نشده اقرار شده جلوه دهد به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌شود.

۱۸- تبصره: در مواردی که مجازات جرمی در این قانون ذکر نشده باشد چنانچه رسیدگی به آن جرم در صلاحیت دادگاه نظامی باشد، دادگاه نظامی طبق قانون مربوط به آن جرم، تعیین کیفر می‌نماید و اعمال تخفیف و تبدیل نیز به موجب همان قانون خواهد بود.

۱۹- ماده ۲: در مواردی که مجازات جرمی در این قانون ذکر نشده باشد، دادگاه طبق قوانین عمومی تعیین کیفر خواهد نمود.

۲۰- ماده ۲: دادگاه نظامی مکلف است در مواردی که مجازات جرمی در این قانون ذکر شده است به استناد این قانون حکم صادر نماید. اعمال تخفیف و تبدیل نیز به موجب همین قانون خواهد بود.

۲۱- ماده ۷: در مواردی که در این قانون، مجازات‌های دیگری غیر از حبس به عنوان مجازات اصلی پیش بینی شده در صورت وجود جهات مخففه، به شرح زیر قابل تبدیل و تخفیف می‌باشد: - مجازات جزای نقدی یا انفصال موقت یا محرومیت از ترفیع یا اضافه خدمت تا نصف حداقل مجازات قانونی آن.

نصف حداقل مجازات قانونی آن قابل تخفیف است. اعمال این ضابطه تنها در صورتی امکان دارد که جزای نقدی مقرر در قانون دارای حداقل و حداکثر باشد و با بررسی قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ درمی‌یابیم که صرفاً چنین مجازاتی در ماده «۷۹»^{۲۲} و تبصره اول^{۲۳} ماده مذکور پیش‌بینی شده است (ماده «۵۸»^{۲۴} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱). مطابق بند «د» ماده «۷» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ انفصال موقت نیز همانند جزای نقدی تا نصف حداقل مجازات قانونی قابل تخفیف است (ماده «۳» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱). قانون‌گذار در صدر ماده «۷» با ذکر عبارت «در مواردی که در این قانون...» ضوابط پیش‌بینی شده را به مجازات‌های مقرر در قانون مذکور اختصاص داده است اما به این نکته توجه نشده که در هیچ یک از ماده‌های این قانون، انفصال موقت به عنوان مجازات اصلی و حتی مجازات تکمیلی ذکر نشده است و با این توضیح ماده «۱۶»^{۲۵} قانون مذکور نیز صرفاً مربوط به مواردی است که دادگاه‌های نظامی به جرائم که در این قانون پیش‌بینی نشده است رسیدگی می‌نمایند. مطابق بند «د» ماده «۷» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، محرومیت از ترفیع نیز تا نصف حداقلی آن قابل تخفیف است (ماده «۳» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱). مطابق بند «د» ماده «۷» قانون مذکور، اضافه خدمت

۲۲- ماده ۷۹: هر نظامی که موجبات معافیت یا اعزام مشمولی را به خدمت وظیفه عمومی برخلاف مقررات فراهم سازد و یا سبب شود نام کسی که مشمول قانون خدمت وظیفه عمومی است در فهرست مشمولان ذکر نگردد و یا شخصاً یا به واسطه دیگری اقدام به صدور گواهی یا تصدیق‌نامه خلاف واقع در امور نظام وظیفه یا غیر آن نماید چنانچه اعمال مذکور به موجب قوانین دیگر مستلزم مجازات شدیدتری نباشد به حبس از یک تا پنج سال و یا شش میلیون ریال تا سی میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود.

۲۳- تبصره ۱: هرکس با علم و اطلاع، از اوراق و تصدیق‌نامه‌های خلاف واقع مذکور در این ماده استفاده نماید و یا امتیازاتی کسب کند به حبس از شش ماه تا سه سال و یا سه میلیون ریال تا هجده میلیون ریال جزای نقدی محکوم و در هر صورت امتیاز مکتسبه لغو می‌گردد.

۲۴- ماده ۵۸: هر نظامی که در ارتباط با انجام وظیفه خود موجبات معافیت یا اعزام مشمولی را به خدمت وظیفه عمومی به ناحق فراهم سازد و یا سبب شود نام کسی که مشمول قانون خدمت وظیفه عمومی هست در لیست مشمولان ذکر نگردد، چنانچه اعمال مذکور به موجب قوانین دیگر مستلزم مجازات شدیدتری نباشد به حبس از شش ماه تا سه سال و انفصال موقت از خدمت از شش ماه تا یک سال برای مرحله اول و اخراج از خدمت در نیروهای مسلح برای مرحله دوم محکوم می‌شود.

۲۵- ماده ۱۶: حداکثر محکومیت به انفصال موقت در مورد کارکنان پایور نیروهای مسلح یک سال است و محکومان به این مجازات از حقوق بدون کاری مطابق مقررات استخدامی مربوط استفاده خواهند کرد.

نیز تا نصف حداقل آن قابل تخفیف است. مجازات فرار از خدمت منجر به دستگیری سربازان وظیفه مطابق ماده «۵۹»^{۲۶} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ (ماده «۴۰»^{۲۷} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱) حبس از سه ماه تا یک سال یا سه ماه تا یک سال اضافه خدمت است و در شرایطی که مطابق ماده «۳» قانون مذکور دادگاه نمی‌تواند حبس تا دو سال را به کمتر از دو ماه اضافه خدمت تبدیل کند، مطابق ماده «۷» قانون مذکور می‌تواند اضافه خدمت مقرر در ماده «۵۹» را تا نصف آن یعنی یک ماه و نیم تخفیف دهد. این ایراد وقتی بیشتر جلب توجه می‌کند که مجازات فرار از خدمت منجر به دستگیری و توأم با مراجعت را با هم مقایسه کنیم؛ چراکه مجازات فرار از خدمت توأم با مراجعت کارکنان وظیفه مطابق بند «ب» ماده «۶۰»^{۲۸} قانون مذکور (ماده «۴۱»^{۲۹} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱) حبس از دو ماه تا شش ماه است و نتیجه این خواهد شد که دادگاه در مورد فرار از خدمت توأم با مراجعت که مجازات قانونی کمتری دارد، نمی‌تواند حکم به کمتر از دو ماه اضافه خدمت صادر کند اما در مورد فرار از خدمت منجر به دستگیری که مجازات بیشتری دارد، می‌تواند به استناد ماده «۷» قانون مذکور حکم به یک ماه و نیم اضافه خدمت صادر کند (دلیر، ۱۳۸۵، ۳).

۲۶- ماده ۵۹: کارکنان وظیفه نیروهای مسلح هرگاه در زمان صلح بیش از پانزده روز متوالی مرتکب غیبت شده و عذروجهی نداشته باشند فراری محسوب و چنانچه دستگیر شده باشند به حبس از سه ماه تا یک سال یا سه ماه تا یک سال اضافه خدمت محکوم می‌گردند.

۲۷- ماده ۴۰: اعضاء غیرثابت نیروهای مسلح اعم از وظیفه، پیمانی و غیره که در زمان صلح مدت غیبت آنان از پانزده روز متوالی تجاوز نماید و عذروجهی نداشته باشند فراری محسوب و پس از دستگیری به حبس از شش ماه تا دو سال و یا اضافه خدمت تا یک سال محکوم می‌شوند.

۲۸- ماده ۶۰: کارکنان وظیفه فراری در زمان صلح هرگاه شخصاً خود را معرفی و مشغول خدمت شوند به ترتیب زیر با آنان رفتار می‌شود: ب- چنانچه پس از مدت یاد شده در بند (الف) این ماده خود را معرفی کنند و یا سابقه فرار از خدمت داشته باشند به حکم دادگاه به حبس از دو تا شش ماه محکوم می‌گردند.

۲۹- ماده ۴۱: فراریان مشمول مواد فوق در صورتی که شخصاً خود را معرفی نمایند به ترتیب زیر با آنان رفتار خواهد شد. ۱- هرگاه در زمان صلح حسب مورد از دو ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شوند. ۲- هرگاه در زمان جنگ یا بسیج یا هنگامی که یگان مربوط در آماده‌باش رزمی است، باشد و حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ شروع جنگ یا بسیج یا اعلام آماده‌باش خود را معرفی نمایند از تعقیب و کیفر معاف خواهند بود. ۳- هرگاه معرفی پس از مدت مذکور باشد حکم فرار در زمان جنگ را خواهد داشت.

مطابق بند «ب» ماده «۷»^{۳۰} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، مجازات تنزیل دودرجه یا رتبه به تنزیل یک درجه یا رتبه قابل تخفیف است. تنزیل دودرجه یا رتبه به عنوان یکی از مجازات‌های اصلی ارتشاء و اختلاس در بند «ب» ماده «۱۱۸»^{۳۱} و بند «ب»^{۳۲} «۱۱۹» (در صورتی که مبلغ رشوه و اختلاس بیش از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال باشد) ذکر شده است. مطابق ماده «۷۲»^{۳۳} قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲ و ماده «۷۵»^{۳۴} قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران مصوب ۱۳۷۰ عناوین و ترتیب درجات نظامیان در بیست و یک بند پیش‌بینی شده است و در ماده «۶۴»^{۳۵} قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶ عناوین و ترتیب

۳۰- ماده ۷: در مواردی که در این قانون، مجازات‌های دیگری غیر از حبس به عنوان مجازات اصلی پیش‌بینی شده در صورت وجود جهات مخففه، به شرح زیر قابل تبدیل و تخفیف می‌باشد: ب- مجازات تنزیل دو درجه یا رتبه به تنزیل یک درجه یا رتبه.

۳۱- ماده ۱۱۸: هر نظامی برای انجام یا خودداری از انجام امری که از وظایف او یا یکی دیگر از کارکنان نیروهای مسلح است وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را بلاعوض یا کمتر از قیمت معمول به هر عنوان قبول نماید اگرچه انجام یا خودداری از انجام امر برخلاف قانون نباشد در حکم مرتشی است و به ترتیب ذیل محکوم می‌شود: ب- هرگاه قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال باشد به حبس از دو تا ده سال و جزای نقدی معادل وجه یا قیمت مال مأخوذ و تنزیل دو درجه یا رتبه.

۳۲- ماده ۱۱۹: هر نظامی وجوه یا مطالبات یا حواله‌ها یا اسناد و اشیاء و لوازم و یا سایر اموال را که بر حسب وظیفه به او سپرده شده به نفع خود یا دیگری برداشت یا تصاحب نماید مختلس محسوب و علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس حسب مورد به مجازات زیر محکوم می‌شود: ب- هرگاه میزان اختلاس از حیث وجه یا بهاء مال مورد اختلاس بیش از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال باشد به حبس از دو تا ده سال و جزای نقدی معادل دو برابر وجه یا بهاء مال مورد اختلاس و تنزیل دو درجه یا رتبه.

۳۳- ماده ۷۲: عناوین و ترتیب درجات کارکنان انتظامی به شرح زیر می‌باشد: سرباز. سربازدوم. سربازیکم. سرجوخه. گروهان سوم. گروهان دوم. گروهان یکم. استواردوم. استواریکم. ستوانسوم. ستواندوم. ستوانیکم. سروان. سرگرد. سرهنگ دوم. سرهنگ. سرتیپ دوم. سرتیپ. سرلشگر. سپهبد. ارتشبد.

۳۴- ماده ۷۵: ترتیب درجات پرسنل نظامی نیروهای سپاه و درجات معادل آن در نیروی دریایی سپاه به شرح زیر می‌باشد: سرباز ناوی. سربازدوم ناوی دوم. سربازیکم ناوی یکم. رزمیار سرنای. رزم‌آور سوم ناویار سوم. رزم‌آوردوم ناویار دوم. رزم‌آوریکم ناویار یکم. رزم‌داردوم ناویار دوم. رزم‌داریکم ناویار یکم. ستوان سوم ناویان سوم. ستوان دوم ناویان دوم. ستوانیکم ناویان یکم. سروان ناویان یکم. سرگرد ناویان سوم. سرهنگ دوم ناویان سوم. سرهنگ ناویان سوم. سرتیپ دوم دریادار دوم. سرتیپ دریادار. سرلشکر دریابان. سپهبد دریاسالار. ارتشبد دریابد.

۳۵- ماده ۶۴: ترتیب درجات پرسنل نظامی زمینی و هوایی و درجات معادل آن در نیروی دریایی به شرح زیر است: سرباز ناوی. سربازدوم ناوی دوم. سربازیکم ناوی یکم. سرجوخه سرنای. گروهان سوم مهنای سوم. گروهان دوم

درجات نظامیان در بیست بند پیش بینی شده است.

مطابق تبصره اول^{۳۶} ماده «۷۲» قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲ درجات مذکور به پنج گروه تقسیم شده است یعنی ردیف‌های اول تا چهارم (سرباز^{۳۷}، سربازدوم، سربازیکم و سرجوخه^{۳۸}) گروه سربازی، ردیف‌های پنجم تا نهم (گروهان‌سوم^{۳۹}، گروهان‌دوم، گروهان‌یکم، استواردوم^{۴۰} و استواریکم) گروه درجه داری^{۴۱}، ردیف‌های دهم تا سیزدهم (ستوانسوم^{۴۲}،

مهنای‌دوم، گروهان‌یکم مهنای‌یکم، استواردوم ناواستواردوم، استواریکم ناواستواریکم، ستوان‌سوم ناوبان‌سوم، ستوان‌دوم ناوبان‌دوم، ستوان‌یکم ناوبان‌یکم، سروان ناوسروان، سرگرد ناخدا‌سوم، سرهنگ‌دوم ناخدا‌دوم، سرهنگ ناخدا‌یکم، سرتیپ‌دوم دریا‌دوم، سرتیپ دریا‌دار، سرلشکر دریا‌بان، سپهبد دریا‌سالار.

۳۶- تبصره ۱: درجات مندرج در این ماده مجموعاً به پنج گروه تقسیم می‌گردند: الف- ردیف‌های یک تا چهار گروه سربازی، ب- ردیف‌های پنج تا نه گروه درجه‌داری، ج- ردیف‌های ده تا سیزده گروه افسری جزء، د- ردیف‌های چهارده تا شانزده گروه افسری ارشد. ه- ردیف‌های هفده و بالاتر گروه امرا.

۳۷- سرباز پایین‌ترین درجه در میان درجه‌های نظامی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران است. در ایران درجه سرباز سه مرحله دارد: سرباز یکم، سرباز دوم و سرباز.

۳۸- سرجوخه از درجه‌های ارتش است و به فرمانده چهار یا پنج سرباز گفته می‌شود. سرجوخه در نیروهای مسلح معمولاً سمت فرماندهی جوخه را دارد، که یگانی راه کنشی و کوچکی است که در ساختار سلسله مراتبی کوچک‌تر از رسد و بزرگ‌تر از گروه است و معمولاً از هفت تا ده سرباز تشکیل می‌شود. پیش از دوره رضاشاه پهلوی به سرجوخه «سرجوقه» می‌گفتند. درجه سرجوخه بر روی دوش نصب نمی‌شود. در ارتش ایران بر روی قسمت پایین آستین و در سپاه بر روی بازو قرار می‌گیرد. اخیراً در ارتش ایران کلیه درجات سربازان و سرجوخگان بر روی بازو نصب می‌گردد.

۳۹- گروهان درجه‌ای درجه‌داری و سمتی در نیروهای مسلح ایران و بسیاری از کشورهای جهان است که پایین‌تر از درجه استوار و بالاتر از درجه سرجوخه جا می‌گیرد. در ارتش به کسی گروهان گفته می‌شود که فرمانده یک گروه باشد. گروه، نام از یگان‌های ارتشی است که معمولاً از هشت تا دوازده نفر تشکیل شده‌است. هر گروه خود معمولاً از دو جوخه تشکیل می‌شود. درجه گروهان در نیروی زمینی برابر با درجه مهنای در نیروی دریایی است. در دوره پهلوی اول، این درجه را «وکیل‌باشی» می‌نامیدند. درجه گروهانی سه مرحله دارد: گروهان یکم، گروهان دوم و گروهان سوم.

۴۰- استوار درجه‌ای درجه‌داری و سمتی در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و بسیاری از کشورهای جهان است که پایین‌تر از درجه ستوان و بالاتر از درجه گروهان جا می‌گیرد. درجه استوار دو مرحله دارد: استوار یکم و استوار دوم.

۴۱- در ساختار نیروی مسلح جمهوری اسلامی ایران، به پایین‌ترین رده نظامی پرسنل کادر، درجه‌دار می‌گویند که شامل درجات گروهانی و استواری می‌شود. این رده بالاتر از سرباز و پایین‌تر از افسر می‌باشد. رده درجه‌داری در نیروهای زمینی، هوایی، پدافند هوایی و نیروی انتظامی شامل درجات زیر می‌باشد: گروهان سوم، گروهان دوم، گروهان یکم، استوار دوم و استوار یکم.

ستواندوم، ستوانیکم و سروان^{۴۳}) گروه افسری جزء^{۴۴}، ردیف‌های چهاردهم تا شانزدهم (سرگرد^{۴۵}، سرهنگ دوم^{۴۶} و سرهنگ^{۴۷}) گروه افسری ارشد و ردیف‌های هفدهم تا بیست و یکم (سرتیپ دوم^{۴۸}،

۴۲- ستوان درجه‌ای افسری و سمتی در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و بسیاری از کشورهای جهان است که معمولاً فرماندهی یک دسته را بر عهده دارد. دسته یگانی نظامی و زیرمجموعه گروهان است که معمولاً از دو یا چند گروه یا رسد تشکیل می‌شود و معمولاً از سی تا چهل را در بر می‌گیرد. ستوانی نخستین درجه از درجه‌های افسری است و سه درجه دارد: ستوان یکمی، ستوان دومی و ستوان سومی.

۴۳- سروان درجه‌ای افسری در نیروهای مسلح و نهادهای نظامی، انتظامی و امنیتی است، که جایگاهی پایین‌تر از سرگرد و بالاتر از ستوان دارد. سروان در نیروهای مسلح معمولاً سمت فرماندهی گروهان را دارد، که یگانی تاکتیکی است، که از دو یا بیشتر دسته تشکیل شده و بخشی از گردان یا یگانی جداگانه است و معمولاً از یکصد تا چهارصد سرباز تشکیل شده‌است.

۴۴- افسر کسی که در نیروهای نظامی و انتظامی دارای درجه افسری و سمت فرماندهی باشد، به افرادی که دارای تحصیلات نظامی‌گری در دانشگاه‌های نظامی (دانشکده یا دانشگاه افسری) می‌باشند افسر می‌گویند. در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به درجات ستوان سوم تا سروان افسر جزء و به درجات سرگرد، سرهنگ دوم و سرهنگ افسر ارشد می‌گویند. رده افسری بالاتر از درجه دار و پایین‌تر رده امیری است. این عنوان در دوره رضاشاه پهلوی از روی واژه «افسر» در زبان فارسی به معنی «تاج» برای معادل واژه (Officer) در انگلیسی ساخته شد. درجه‌های افسری در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران (به غیر از نیروی دریایی) به ترتیب از بالاترین درجه تا پایین‌ترین درجه عبارتند از: سرهنگ، سرهنگ دوم، سرگرد، سروان، ستوان یکم، ستوان دوم و ستوان سوم. درجه‌های افسری در نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران به ترتیب از بالاترین درجه تا پایین‌ترین درجه عبارتند از: ناخدا یکم، ناخدا دوم، ناخدا سوم، ناوروان، ناوروان یکم، ناوروان دوم و ناوروان سوم.

۴۵- سرگرد یکی از درجات افسری در نیروهای مسلح است که جایگاهی پایین‌تر از سرهنگ دوم و بالاتر از سروان دارد. دارنده درجه سرگرد در نیروهای مسلح معمولاً فرمانده یک گردان است که سیصد تا یکهزار سرباز دارد.

۴۶- سرهنگ دوم یکی از درجات افسری ارشد نیروهای مسلح است که بالاتر از درجه سرگردی و پایین‌تر از درجه سرهنگی (سرهنگ تمامی) می‌باشد.

۴۷- سرهنگ یکی از درجات نیروهای مسلح است که بالاتر از سرهنگ دوم و پایین‌تر از سرتیپ دوم می‌باشد. در دوران قاجار، این درجه را «کلنل» می‌نامیدند که در اصل واژه‌ای فرانسوی می‌باشد.

۴۸- سرتیپ دوم درجه‌ای است که در نیروهای نظامی و انتظامی جمهوری اسلامی ایران به کار می‌رود. این درجه بالاتر از درجه سرهنگی و پایین‌تر از درجه سرتیپی قرار دارد. ترفیع افسران به این درجه براساس لیاقت و طبق نظر مقامات بالای نظامی امکان‌پذیر می‌باشد. در ارتش جمهوری اسلامی ایران افسرانی موفق به اخذ این درجه می‌شوند که دوره‌های مقدماتی و عالی ارتش را طی کرده باشند و توانسته باشند دوره دافوس ارتش را نیز با موفقیت پشت سر گذاشته باشند. البته طی سه دوره فوق دلیلی بر دریافت این درجه نیست بلکه لزوم اخذ درجه سرتیپ دومی گذراندن دوره‌های فوق می‌باشد.

سرتیپ^{۴۹}، سرلشگر^{۵۰}، سپهبد^{۵۱} و ارتشبد^{۵۲} (گروه امرا^{۵۳} را تشکیل می‌دهند. رتبه کارمندان که حداکثر بیست رتبه است و همچنین درجه کارکنان پیمانی نیز در ماده‌های «۸۰»^{۵۵}، «۸۲»^{۵۶}، «۸۴»^{۵۷} و «۸۵»^{۵۸} قانون

۴۹- سرتیپ درجه‌ای در نیروهای مسلح است، که جایگاهی بالاتر از سرتیپ دوم و پایین‌تر از سرلشکر دارد و معادل درجه دریادار در نیروی دریایی است. اصطلاح «سرتیپ» از دو واژه ساخته شده است: «سر» + «تیپ». درجه «سرتیپ» در سال ۱۳۱۴ در ارتش شاهنشاهی ایران با پیشنهاد انجمن واژه‌گزینی و تصویب فرهنگستان زبان ایران برای «فرمانده تیپ» به کار گرفته شد.

۵۰- سرلشکر در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به درجه نظامی بالاتر از سرتیپ و پایین‌تر از سپهبد گفته می‌شود. معادل این درجه در نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران، دریابان است. نشان مورد استفاده در این درجه نشان تیمساری به علاوه دو ستاره می‌باشد. این درجه بالاترین درجه‌ای است که پس از انقلاب اسلامی به یک نظامی در هنگام حیاتش، اعطاء شده است.

۵۱- سپهبد (تلفظ معمول: سپهبد) نام یکی از درجه‌های ارتش است که بالاتر از سرلشکر و پایین‌تر از ارتشبد است. سپهبد فرمانده یک سپاه از ارتش است که آن یگانی راه کنشی است که دارای تجهیزات و تسلیحات لازم برای اجرای عملیات رزمی بوده و از دو یا سه لشکر تشکیل می‌شود.

۵۲- آرتشبد یا ارتشبد بالاترین درجه نظامی ایران است و معادل ژنرال چهارستاره در بسیاری از ارتش‌های کشورهای دیگر به حساب می‌آید. واژه ارتشبد در نیروی زمینی و هوایی به‌کار می‌رود و درجه معادل آن در نیروی دریایی «دریابد» می‌باشد. در قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران، سپهبد و دریاسالار به‌عنوان بالاترین درجه‌های ارتش ذکر شده است و درجه‌های ارتشبد و دریابد حذف گردیده است. باین‌حال، در آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، به وجود این دو درجه در ارتش اشاره شده است.

۵۳- در ماده ۶۴ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶، درجات نظامی در بیست بند ذکر شده و در ماده مذکور به درجه ارتشبدی اشاره‌ای نشده است.

۵۴- تیمسار خطابی احترام‌آمیز است که فرهنگستان ایران آن را به جای واژه‌های ژنرال، حضرت اجل، والاحضرت و حضرت برگزید و به گروه امرا یعنی درجات بالاتر از سرهنگی گفته می‌شود. این کلمه از چند سال پس از انقلاب با واژه‌های امیر و سردار جایگزین شده است. این خطاب در ارتش ایران برای امرای نیروهای سه‌گانه ارتش به کار می‌رفت. واژه امیر افزون بر کاربرد پیشین اش (گروه نظامیانی که درجه‌های شان بالاتر از سرهنگ یا ناخدا یکم بود) در سال ۱۳۷۸ به صورت واژه خطاب جایگزین تیمسار شد.

۵۵- ماده ۸۰: کارکنان پیمانی پس از طی دوره آموزش لازم به درجات یا رتبه‌های زیرنائل می‌شوند: الف- دارندگان مدرک نهضت سوادآموزی و پایان دوره ابتدایی به رتبه دو. ب- دارندگان مدرک پایان دوره راهنمایی به درجه گروهبان‌دومی یا رتبه پنج. ج- دارندگان مدرک پایان دوره متوسطه به درجه گروهبان‌یکمی یا رتبه هفت. د- دارندگان مدرک کاردانی به درجه ستوان سومی یا رتبه ده. ه- دارندگان مدرک کارشناسی به درجه ستوان دومی یا رتبه یازده. و- دارندگان مدارک بالاتر در ازاء هر سال تحصیلی بالاتر از کارشناسی از دو سال ارشدیت نسبت به دارندگان مدارک

استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲، ماده‌های «۷۱»، «۷۲»، «۶۰»، «۷۳»، «۶۱»، «۷۴» ۶۲

کارشناسی و در ازاء هر چهار سال ارشدیت از یک درجه یا رتبه بالاتر برخوردار می‌شوند. رعایت مفاد تبصره ماده (۷۶) در مورد این‌گونه کارکنان نیز الزامی خواهد بود.

۵۶- ماده ۸۲: اولین رتبه خدمتی و وضعیت ترفیعاتی کارمندان موضوع بند (الف) ماده (۱۹) این قانون پس از استخدام و طی دوره آموزشی مربوط حسب مورد به قرار زیر است: الف- کارمندانی که با مدرک تحصیلی پایان دوره متوسطه استخدام می‌شوند و یا در طول خدمت، مدرک مزبور را ارائه نمایند از تاریخ ارائه مدرک به رتبه خدمتی نه نائل و حداقل مدت توقف آنان در کلیه رتبه‌های بعدی چهار سال بوده و نهایتاً به رتبه خدمتی خواهند رسید. ب- رتبه خدمتی کارمندان دانش‌آموخته مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌ها به قرار زیر خواهد بود: ۱- دارندگان مدرک کاردانی به رتبه خدمتی ده نائل و حداقل مدت توقف آنان در تمامی رتبه‌های بعدی، چهار سال بوده و نهایتاً به رتبه خدمتی شانزده خواهند رسید. ۲- دارندگان مدرک کارشناسی به رتبه خدمتی یازده نائل و حداقل مدت توقف آنان در تمامی رتبه‌های بعدی تا رتبه هفده چهار سال خواهد بود. ۳- دارندگان مدارک بالاتر در ازاء هر سال تحصیلی بالاتر از کارشناسی یا معادل آن از دو سال ارشدیت نسبت به دارندگان مدرک کارشناسی و در ازاء هر چهار سال ارشدیت از یک رتبه بالاتر برخوردار می‌گردند.

۵۷- ماده ۸۴: اولین رتبه کارمندان موضوع بند (ب) ماده (۱۹) این قانون که با مهارت لازم در یکی از رده‌های یک تا سه برای مشاغل استخدام شده یا می‌شوند که از نظر پیچیدگی و سختی کار در یکی از گروه‌های یک تا سه قرار دارند به شرح زیر می‌باشد: الف- رده یک گروه یک (رتبه یک). ب- رده یک گروه دو و رده دو گروه یک (رتبه سه). ج- رده یک گروه سه و رده دو گروه دو و رده سه گروه یک (رتبه پنج). د- رده دو گروه سه و رده سه گروه دو (رتبه شش). ه- رده سه گروه سه (رتبه هشت).

۵۸- ماده ۸۵: تعداد رتبه‌ها برای کارمندان موضوع این قانون، بیست رتبه می‌باشد.

۵۹- ماده ۷۱: پرسنل پیمانی پس از طی دوره آموزشی لازم به درجات یا رتبه‌های زیر نائل می‌گردند: الف- دارندگان مدرک پایان دوره ابتدایی به درجه گروه‌بانی سومی یا رتبه دو. ب- دارندگان مدرک پایان دوره راهنمایی به درجه گروه‌بانی دومی یا رتبه پنج. ج- دارندگان مدرک پایان دوره دبیرستان به درجه گروه‌بانی یکمی یا رتبه هفت. د- دارندگان مدرک فوق دیپلم به درجه ستوان‌سومی یا رتبه ده. ه- دارندگان مدرک لیسانس به درجه ستوان‌دومی یا رتبه یازده. و- دارندگان مدرک بالاتر در ازاء هر سال تحصیلی بالاتر از لیسانس از دو سال ارشدیت نسبت به دارندگان مدرک لیسانس و در ازاء هر چهار سال ارشدیت از یک درجه یا رتبه بالاتر برخوردار می‌گردند.

۶۰- ماده ۷۲: پرسنل وظیفه از نظر نیل به درجات تابع مقررات قانون خدمت وظیفه عمومی می‌باشند.

۶۱- ماده ۷۳: اولین رتبه کارمندان موضوع بند الف ماده ۳۱ این قانون در بدو استخدام با مدرک پنجم ابتدایی دو با مدرک پایان دوره راهنمایی صفر با مدرک پایان دوره دبیرستان نه و با مدرک تحصیلی بالاتر از دیپلم به ازاء هر دو سال تحصیل بالاتر از دیپلم یک رتبه بالاتر از نه می‌باشد.

۶۲- ماده ۷۴: اولین رتبه کارمندان موضوع بند ب ماده ۳۱ این قانون که با مهارتی در یکی از رده‌های یک تا سه برای مشاغل استخدام می‌شوند که از نظر پیچیدگی و سختی در یکی از گروه‌های یک تا سه قرار دارند به شرح زیر

«۷۵»^{۶۳} قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶ و ماده‌های «۷۶»^{۶۴}، «۸۱»^{۶۵}، «۸۴»^{۶۶} و «۸۵»^{۶۷} قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران مصوب ۱۳۷۰ پیش بینی شده است. با توجه به مقررات فوق چنانچه درجه متهم پایین‌ترین درجه یا صرفاً یک درجه بالاتر از حداقل درجه گروه درجه داری باشد یعنی متهم درجه گروه‌بان‌سومی یا گروه‌بان‌دومی داشته باشد، مجازات تنزیل دودرجه یا رتبه چون اساساً قابل اعمال نیست، در مورد چنین افرادی سالبه به انتفاء موضوع است و اساساً در این موارد بحث تخفیف مجازات تنزیل درجه نیز موضوعیت ندارد. البته باید توجه داشت در صورتی که درجه گروه‌بان‌سومی را پایین‌ترین درجه بدانیم، عبارت مذکور صحیح است اما اگر با توجه به مقررات تبصره دوم ماده «۷۴»^{۶۸} و

می‌باشد: الف- رده یک گروه یک، رتبه (یک). ب- رده دو گروه یک و رده دو، رتبه (سه). ج- رده سه گروه یک و رده دو گروه دو و رده یک گروه سه، رتبه (پنج). د- رده سه گروه دو و رده دو گروه سه، رتبه (هفت). ه- رده سه گروه سه، رتبه (نه).

۶۳- ماده ۷۵: تعداد رتبه‌ها برای کارمندان موضوع مواد ۷۳ و ۷۴ این قانون بیست رتبه بوده و کارمندان مزبور در صورت شایستگی و کارایی هر چهار سال یک رتبه ارتقاء خواهند یافت.

۶۴- ماده ۷۶: تعداد رتبه‌ها برای کارمندان موضوع این قانون، بیست رتبه بوده و کارمندان مزبور در صورت شایستگی و کارایی هر چهار سال یک مرتبه ارتقاء خواهند یافت.

۶۵- ماده ۸۱: پرسنل پیمانی پس از طی دوره آموزشی لازم به درجات یا رتبه‌های زیر نائل می‌شوند: الف- دارندگان مدرک پایان دوره ابتدایی به درجه رزم‌آورسومی. ب- دارندگان مدرک پایان دوره راهنمایی به درجه رزم‌آوردومی. ج- دارندگان مدرک پایان دوره دبیرستان به درجه رزم‌آوریکمی یا رتبه هفت. د- دارندگان مدرک فوق دیپلم به درجه ستوان‌سومی یا رتبه ده. ه- دارندگان مدرک لیسانس به درجه ستوان‌دومی یا رتبه یازده. و- دارندگان مدرک بالاتر از آن هر مقطع تحصیلی بالاتر از لیسانس یک درجه یا رتبه بالاتر برخوردار می‌گردند.

۶۶- ماده ۸۴: اولین رتبه کارمندان موضوع بند الف ماده ۱۹ این قانون در بدو استخدام با مدرک پایان دوره دبیرستان نه و با مدرک تحصیلی بالاتر از دیپلم به ازای هر دو سال تحصیلی بالاتر از دیپلم یک رتبه بالاتر از نه می‌باشد.

۶۷- ماده ۸۵: اولین رتبه کارمندان موضوع بند ب ماده ۱۹ این قانون که با مهارتی در یکی از گروه‌های یک تا سه برای مشاغل استخدام می‌شوند که از نظر پیچیدگی و سختی در یکی از گروه‌های یک تا سه قرار دارند به شرح زیر می‌باشد: الف- رده یک گروه یک، رتبه (یک). ب- رده دو گروه دوازده و رده یک گروه دو، رتبه (سه). ج- رده سه گروه یک و رده دو گروه دو و رده یک گروه سه، رتبه (پنج). د- رده سه گروه دو و رده دو گروه سه، رتبه (شش). ه- رده سه گروه سه، رتبه (هشت).

۶۸- تبصره ۲: آن دسته از کارکنانی که با مدرک پایان دوره راهنمایی استخدام می‌شوند و موفق به طی دوره علمی نمی‌گردند به درجه گروه‌بان‌دومی و در نهایت به درجه ستوان‌یکمی نائل خواهند شد.

ماده «۸۰»^{۶۹} قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲ درجه گروه‌باند دومی را پایین‌ترین درجه کارکنان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تصور کنیم، در آن صورت مجازات تنزیل دودرجه در مورد دارندگان درجه گروه‌باند یکمی نیز ساله به انتفاء موضوع است. مقررات فوق در مورد تنزیل رتبه کارکنان نیز صادق است.

قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ به موقت یا دائم بودن مجازات تنزیل درجه اشاره نکرده است؛ در حالی که در قوانین استخدامی نیروهای مسلح این تفکیک وجود دارد. مثلاً در ماده «۱۲۰»^{۷۰} قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲ که تنبیهات قابل اعمال را احصاء کرده است، در بند «ل» تنزیل موقت یک درجه یا رتبه حداکثر به مدت دو سال و در بند «م» تنزیل دائم یک درجه یا رتبه پیش‌بینی شده است که با توجه به این موضوع بهتر بود قانون‌گذار به این نکته نیز تصریح می‌کرد که منظور از تنزیل درجه یا رتبه در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، تنزیل موقت است یا دائم و تنزیل درجه یا رتبه شامل هر دو مورد است و دادگاه می‌تواند هر کدام را که مصلحت بداند، مورد حکم قرار دهد (دلیر، ۱۳۸۵، ۵).

کیفباتی مانند عدم ایراد صدمه بدنی، تلاش برای ممانعت دیگران از ارتکاب جرم، تلاش برای کاهش نتایج مجرمانه، برخورداری از وضعیت روانی نامناسب، ارتکاب جرم تحت تحریک شدید و فقدان سابقه کیفری در حقوق ایالات متحده امریکا از کیفبات مخففه می‌باشند (Champion, 2007,)

۶۹- ماده ۸۰: کارکنان پیمانی پس از طی دوره آموزش لازم به درجات یا رتبه‌های زیرنائل می‌شوند: الف- دارندگان مدرک نهضت سوادآموزی و پایان دوره ابتدایی به رتبه دو. ب- دارندگان مدرک پایان دوره راهنمایی به درجه گروه‌باند دومی یا رتبه پنج. ج- دارندگان مدرک پایان دوره متوسطه به درجه گروه‌باند یکمی یا رتبه هفت. د- دارندگان مدرک کاردانی به درجه ستوان سومی یا رتبه ده. ه- دارندگان مدرک کارشناسی به درجه ستوان دومی یا رتبه یازده. و- دارندگان مدارک بالاتر در ازاء هر سال تحصیلی بالاتر از کارشناسی از دو سال ارشدیت نسبت به دارندگان مدارک کارشناسی و در ازاء هر چهار سال ارشدیت از یک درجه یا رتبه بالاتر برخوردار می‌شوند. رعایت مفاد تبصره ماده (۷۶) در مورد این‌گونه کارکنان نیز الزامی خواهد بود.

۷۰- ماده ۱۲۰: تنبیهاتی که به علت تخلفات کارکنان اعمال می‌شود به شرح زیر است: الف- توبیخ شفاهی. ب- توبیخ کتبی. ج- توبیخ در سطح قسمت. د- توبیخ در سطح سازمان. ه- توبیخ در سطح نیروی انتظامی. و- خدمت شبانه‌روزی در قسمت حداکثر به مدت سی روز. ز- بازداشت غیرقابل تمدید در بازداشتگاه حداکثر به مدت سی روز. ح- کسر حقوق حداکثر به میزان یک پنجم، حداکثر به مدت چهار ماه. ط- انتظار خدمت حداکثر به مدت شش ماه. ی- بدون‌کاری حداکثر تا سه ماه. ک- محرومیت از ترفیع حداکثر به مدت چهار سال. ل- تنزیل موقت یک درجه یا رتبه حداکثر به مدت دو سال. م- تنزیل دائم یک درجه یا رتبه. ن- معافیت از خدمت. س- اخراج از خدمت.

6). در ماده‌های «58a»^{۷۱} و «۱۵» (مجازات‌های غیرقضائی)^{۷۲} قانون جرائم نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا تخفیف مجازات در رابطه با کاهش درجه پرسنل وظیفه مورد توجه قرار گرفته است. ماده «۱۵» قانون فوق به فرماندهان نظامی اجازه می‌دهد که علاوه بر تذکر یا توبیخ، کاهش حقوق را اعمال کنند. کاهش رتبه ممکن است به چند مورد جداگانه اشاره داشته باشد: در حقوق نظامی، کاهش درجه یا تنزل رتبه عبارت است از تنزل درجه نظامی به عنوان مجازات برای جنایت یا تخلفی که توسط دادگاه نظامی یا مقام دیگری تعیین می‌شود. ممکن است همراه با مجازات‌های دیگری مانند اخراج، از دست دادن حقوق، حبس در پادگان یا حبس در زندان نظامی اعمال شود. کاهش درجه یا تنزل رتبه همچنین ممکن است به تمرین داوطلبانه و غیرتنبیهی گرفتن رتبه پایین تر، اغلب به عنوان بخشی از پیوستن به یک واحد نظامی دیگر باشد. به عنوان مثال، کسانی که به «سرویس هوایی ویژه»^{۷۳} یا «هنگ خدمات هوایی ویژه استرالیا» ملحق می‌شوند، اغلب رتبه‌ای پایین تر از رتبه قبلی خود اما با حقوق، اعتبار و مسئولیت‌های بیشتر دریافت می‌نمایند.

71- ARTICLE 58a. Sentences: Reduction in Enlisted Grade upon Approval. (a) Unless otherwise provided in regulations to be prescribed by the Secretary concerned, a court-martial sentence of an enlisted member in pay grade above E-1, as approved by the convening authority, that includes (1) a dishonorable or bad-conduct discharge; (2) confinement; or (3) hard labor without confinement; reduces that member to pay grade E1, effective on the date of that approval. (b) If the sentence of a member who is reduced in pay grade under subsection (a) is set aside or disapproved, or, as finally approved does not include any punishment named in subsection (a)(1), (2), or (3), the rights and privileges of which he was deprived because of that reduction shall be restored to him and he is entitled to the pay and allowances to which he would have been entitled for the period the reduction was in effect, had he not been so reduced.

72- Non-judicial punishment

۷۳- اس.ای.اس (S.A.S) مخفف سرویس هوایی ویژه (Special Air Service) واحد نیروهای ویژه ارتش بریتانیا است. این نیرو در سال ۱۹۴۱ به عنوان یک هنگ تشکیل شد و در سال ۱۹۵۰ به سپاه تبدیل گردید. اس.ای.اس به عنوان یکی از الگوهای نیروهای ویژه برای سایر کشورها تلقی می‌شود. وظایف این نیرو شامل مبارزه با تروریسم، عملیات شناسایی محرمانه، اقدام عملی و مبارزه با گروگان‌گیری است. بیشتر اطلاعات و اقدامات مربوط به این نیرو بسیار سری است و دولت بریتانیا و وزارت دفاع به خاطر حساس بودن عملیات‌های این نیرو، در مورد آن صحبت نمی‌کنند. هنگ بیست و دو سرویس هوایی ویژه که بخشی از نیروی زمینی ارتش بریتانیا محسوب می‌شود، بعد از پخش زنده تلویزیونی نجات گروگان‌های سفارت ایران در سال ۱۹۸۰، به شهرت جهانی رسید.

۲- سیاست کیفری تشدید مجازات‌ها در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا

گاه قانون‌گذار در جرائم خاصی، به تشدید مجازات اشاره نموده که جنبه الزامی دارند و قاضی ملزم به تشدید است اما در تشدید قضایی، در غالب موارد با تعیین حداقل و حداکثر مجازات جرم و یا تعیین چند نوع مجازات در مورد یک جرم، قاضی در حدود مشخص شده و با توجه به معیارها و ملاک‌های تشدید عمل می‌کند. تشدید ممکن است موجب افزایش میزان و مدت مجازات قانونی شود و حداکثر مجازات و بیش از حداکثر تعیین گردد. البته با توجه به تبصره^{۷۴} ماده «۲» قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، چنانچه دادگاه در حکم صادره، مجازات حبس را بیش از حداقل مجازات مقرر در قانون تعیین کند، باید مبتنی بر بندهای مقرر در این ماده و یا سایر جهات قانونی، علت صدور حکم به بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی را ذکر کند. حتی عدم رعایت مفاد این تبصره، موجب مجازات انتظامی درجه چهار^{۷۵} خواهد شد (صبوری پور و رهبر، ۱۳۸۹، ۱۵). نمونه دیگر تشدید کیفر قضایی، تعیین مجازات تکمیلی است که به قاضی اختیار می‌دهد که در حدودی که قانون تعیین نموده، علاوه بر مجازات اصلی، مجازات‌سی تحت عنوان مجازات تکمیلی را تعیین نماید. به طور کلی جهات خاص تشدید مجازات، موجباتی است که ناظر به جرم یا جرائم به خصوصی بوده و وجود آن‌ها فقط در همان مورد یا موارد خاص و الزاما باعث تشدید مجازات می‌شود و قابل تسری به سایر جرائم نیست. این دسته از کیفیات قابل تسری به جرائم دیگر نیستند. کیفیات مشدده خاص به کیفیات مشدده عینی و شخصی تقسیم می‌شود.

کیفیات مشدده شخصی به اوضاع، احوال و شرایط فرد مرتکب توجه دارد اما در کیفیات مشدده عینی، اوضاع و احوال جرم و نحوه ارتکاب آن مورد توجه قرار می‌گیرند. فلسفه وضع قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ به وصف شخصی و به عبارتی سمت و جایگاه مرتکب برمی‌گردد و از مقایسه این قانون با قوانین دیگر به این نتیجه می‌رسیم که این قانون با توجه به این کیفیت مشدده، به

۷۴- تبصره: چنانچه دادگاه در حکم صادره مجازات حبس را بیش از حداقل مجازات مقرر در قانون تعیین کند، باید مبتنی بر بندهای مقرر در این ماده و یا سایر جهات قانونی، علت صدور حکم به بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی را ذکر کند. عدم رعایت مفاد این تبصره موجب مجازات انتظامی درجه چهار می‌باشد.

۷۵- ماده ۱۳ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰: مجازات‌های انتظامی قضات سیزده درجه به شرح زیر است:

۴- کسر حقوق ماهانه تا یک سوم از شش ماه تا یک سال.

تشدید کیفر پرداخته است. شاهدی در تصدیق این قضیه، عباراتی است که در تبصره دوم ماده «۲۶»^{۷۶} و بند «د» ماده «۲۴»^{۷۷} این قانون ذکر شده است (بند چهارم ماده «۱۲»^{۷۸}، تبصره دوم^{۷۹} ماده «۱۳»، بند سوم ماده «۱۸»^{۸۰}، ماده «۵۸» و ماده «۸۷»^{۸۱} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱). در این قانون، میان نظامیان مشمول این قانون نیز در تشدید و تخفیف، شاهد تفاوت و تمایز هستیم. برای مثال در ماده‌های «۳»، «۴» و «۵» در تخفیف و تبدیل کیفر، کارکنان پایور مجازات تبدیلی سنگین‌تری از کارکنان وظیفه خواهند داشت. همچنین در مورد مجازات‌های تکمیلی که دادگاه می‌تواند در کنار مجازات اصلی تعیین کند، نسبت به کارکنان پایور دارای شدت بیشتری است. همچنین در رابطه با فرار نظامیان، مجازات اعضای ثابت بیشتر از کارکنان وظیفه است. البته در این قانون، تشدید مجازات سردستگی (ماده «۱۹»^{۸۲}) و مورد دیگر هم اینکه اموال سپرده شده به امانت‌دار و مستحفظ (تبصره اول^{۸۳}

۷۶- تبصره ۲: هرگاه اعمال فوق به موجب قوانین دیگر مستلزم مجازات شدیدتری باشد مرتکب به مجازات شدیدتر محکوم خواهد شد.

۷۷- ماده ۲۴: افراد زیر جاسوس محسوب و به مجازات‌های ذیل محکوم می‌شوند: د- هر نظامی که برای به دست آوردن اسناد یا اطلاعات طبقه بندی شده، به نفع دشمن و یا بیگانه به محل نگهداری اسناد یا اطلاعات داخل شود، چنانچه به موجب قوانین دیگر مستوجب مجازات شدیدتری نباشد به حبس از دو تا ده سال محکوم می‌گردد.

۷۸- ماده ۱۲: اشخاص زیر جاسوس شناخته شده و به مجازات مقرر ذیل محکوم می‌شوند: ۴- هر نظامی که برای به دست آوردن اسناد یا اطلاعاتی به نفع دشمن به محل نگهداری اسناد یا اطلاعات داخل شود چنانچه به موجب قوانین دیگر مستوجب مجازات شدیدتری نباشد به حبس از دو تا ده سال محکوم می‌گردد.

۷۹- تبصره ۲: هرگاه اعمال فوق به موجب قوانین دیگر مستلزم مجازات شدیدتری باشد مرتکب به مجازات شدیدتر محکوم خواهد شد.

۸۰- ماده ۱۸: نظامیان زیر که حداقل تعداد آنان بیش از دو نفر باشد شورش‌کننده محسوب و به ترتیب ذیل محکوم می‌شوند. ۳- چنانچه مرتکبین جرائم فوق غیرمسلح باشند اگر عمل آنان مشمول مجازات شدیدتری نباشد به حبس از یک تا پنج سال.

۸۱- ماده ۸۷: چنانچه بزه‌های مذکور در موارد بالا را بازرسان نظامی در امور مالی نیروهای مسلح مرتکب شده باشند یا در ارتکاب آن شرکت نمایند و یا کشف کرده و مخفی دارند مجازات آنان حسب مورد تا یک و نیم برابر حداکثر مجازات‌های مقرر تشدید می‌شود.

۸۲- ماده ۱۹: هر نظامی که به منظور برهم زدن امنیت کشور (ایجاد رعب، آشوب و قتل)، جمعیتی با بیش از دو نفر تشکیل دهد یا اداره کند، چنانچه محارب شناخته نشود به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌گردد. اعضای جمعیت که نسبت به اهداف آن آگاهی دارند در صورتی که محارب شناخته نشوند به دو تا پنج سال حبس محکوم می‌گردند.

۸۳- تبصره ۱: چنانچه امانت‌دار یا مستحفظ مرتکب جرم فوق شود به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌گردد.

و تبصره دوم^{۸۴} ماده «۹۱») مجازات بیشتری از ربایش آن‌ها توسط غیر این اشخاص نیز پیش بینی شده است (صبوری پور و رهبر، ۱۳۸۹، ۱۶).

برخی شرایط و اوصاف مربوط به جرم، فی نفسه نشانی از شدت و خطرناکی جرم می‌باشند که دامنه آثار و صدمات ناشی از ارتکاب جرم با وجود آن عوامل گسترده‌تر می‌شود لذا اقتضاء می‌کند که مجازات تشدید شود. برخی از آن‌ها مربوط به نحوه و چگونگی ارتکاب جرم است و برخی نیز مربوط به زمان، مکان ارتکاب و وصف گستردگی نتایج ناشی از جرم. در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ نیز در ماده‌های مختلف به تشدید کیفر، به واسطه اوضاع، احوال و کیفیاتی پرداخته است که در صورت همراه بودن آن‌ها در ارتکاب جرم، موجب افزایش کیفر می‌گردد. علاوه بر مجری بودن کیفیات مشدده عینی مقرر در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نسبت به افراد نظامی (تحت شرایطی مانند این که در موارد سکوت قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ و صرفاً جرائمی که به موجب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعیین کیفر صورت می‌گیرد) موارد و کیفیاتی که با تشدید بیشتری همراه است در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ ذکر گردیده است. مانند همراه داشتن سلاح یا حمل سلاح در حین ارتکاب جرم در بند «ب» و بند «ج» ماده «۳۳»^{۸۵}، بند «الف» ماده «۴۵»^{۸۶}، «۷۱»^{۸۷} و «۹۰»^{۸۸} عامل تشدید محسوب شده است (بند اول ماده

۸۴- تبصره ۲: هرگاه در اثر بی احتیاطی، بی‌مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی توسط مباشر ثبت و ضبط اسناد یا امانت‌دار و مستحفظ، جرم فوق واقع و یا اسناد و مدارک و نوشتجات مفقود یا معدوم یا تخریب گردد مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد.

۸۵- ماده ۳۳: نظامیان زیر که تعداد آنان حداقل سه نفر باشد شورش‌کننده محسوب و به ترتیب ذیل محکوم می‌شوند:
ب- نظامیانی که در ارتباط با خدمت به صورت دسته جمعی و با سلاح گرم یا سرد به جان یا مال یا ناموس مردم یا اموال عمومی تعدی یا تجاوز نمایند چنانچه محارب محسوب نشوند به حبس از سه تا پانزده سال. ج- نظامیان مسلحی که به منظور دستیابی به اهداف شخصی، صنفی و گروهی و یا به منظور بهره‌مندی از مزایا و امتیازات یا علیه تصمیمات قانونی مسئولان و نظائر آن در یگان‌های نظامی یا در هر محل دیگر اجتماع، تحصن یا اعتصاب نموده و یا به هر نحوی موجب اخلال در نظم شوند به حبس از سه تا پانزده سال.

۸۶- ماده ۴۵: هر نظامی در حین خدمت یا در ارتباط با آن به نگهبان یا مراقب در رابطه با انجام وظیفه وی تعرض نماید به ترتیب زیر محکوم می‌گردد: الف- چنانچه مرتکب با سلاح تعرض نماید به حبس از سه تا پانزده سال.

۸۷- ماده ۷۱: هر نظامی که با سلاح گرم، هواپیما، بالگرد، کشتی، ناوچه، تانک و وسائل موتوری جنگی یا مجهز به سلاح جنگی مبادرت به فرار نماید از زمان غیبت فراری محسوب و چنانچه عمل وی ضربه مؤثر به مأموریت نیروهای مسلح وارد آورد به مجازات محارب و در غیر این صورت به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌شود.

«۲۸»^{۸۹}، بند اول ماده «۳۴»^{۹۰} و ماده «۵۰»^{۹۱} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب (۱۳۷۱). کیفیت مشدده دیگر در این قانون، زمان و مکان ارتکاب جرم است. این عامل در در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ با توجه به اهمیت بیشتر وظایف و اختیارات نظامیان و همچنین حساس تر بودن زمان‌ها و مکان‌ها در حفظ و حیات جامعه و حکومت، این مورد دارای دایره وسیع‌تری است به این ترتیب که ارتکاب جرم در زمان جنگ یا مناطق مهم و حساس موجب تشدید مجازات می‌گردد. در ماده «۳۷»^{۹۲} (ماده «۲۲» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب (۱۳۷۱) در جرم لغو

۸۸- ماده ۹۰: هرگاه بزه‌های ارتكابی مذکور در مواد (۸۸) و (۸۹) این قانون در موقع اردو کشی یا مأموریت آماده‌باش رزمی یا عملیات رزمی یا در منطقه جنگی باشد یا سرقت آن در مأموریت محوله یگان، مؤثر و در آن ایجاد اخلاص نماید و یا یک یا چند نفر از آنان در حین سرقت حامل سلاح ظاهر یا مخفی باشند یا حرز را شکسته باشند مرتکبان به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌گردند.

۸۹- ماده ۲۸: هر نظامی در حین خدمت یا در ارتباط با آن به نگهداری یا مراقب در رابطه با انجام وظیفه وی تعرض یا اهانت نماید به ترتیب زیر محکوم می‌شود. ۱- هرگاه مرتکب با سلاح تعرض نماید به حبس از سه تا پانزده سال و اگر صدمه‌ای به نگهداری وارد آورد علاوه بر مجازات فوق حسب مورد به قصاص یا پرداخت دیه نیز محکوم می‌گردد.

۹۰- ماده ۳۴: هر نظامی در ارتباط با خدمت در مقابل مأموران مسلح حین انجام وظیفه آنان، به طور تجری مقاومت یا به آنان حمله نماید متهم محسوب و ترتیب زیر محکوم می‌شود. ۱- هرگاه ترمرد با اسلحه صورت گرفته باشد به حبس از دو تا هشت سال.

۹۱- ماده ۵۰: هر نظامی که با سلاح گرم یا وسیله موتوری یا هواپیما یا کشتی یا وسایل دیگر مورد استفاده نیروهای مسلح، فرار نماید علاوه بر رد عین یا مثل یا قیمت و جبران خسارت وارده ناشی از ایجاد نقص یا استفاده غیرمجاز، چنانچه عمل او ضربه مؤثر به وضعیت نیروهای مسلح وارد آورد به مجازات محارب و مفسد فی الارض محکوم می‌شود در غیر این صورت حسب مورد تا یک و نیم برابر مجازات مقرر در این قانون محکوم می‌گردد.

۹۲- ماده ۳۷: هر نظامی که اوامر فرماندهان یا رؤسای مربوط را لغو نماید به ترتیب زیر محکوم می‌شود: الف- هرگاه از امر حرکت به طرف دشمن یا محاربان و مفسدان امتناع ورزد، چنانچه حاکی از همکاری با دشمن باشد و یا موجب اخلاص در نظام (به هم خوردن امنیت کشور) و یا شکست جبهه اسلام گردد به مجازات محارب و در غیر این صورت به حبس از سه تا پانزده سال. ب- اگر مخالفت با اوامر در ناحیه‌ای است که در آن حالت جنگی یا محدودیت‌های ضروری اعلام شده و آن مخالفت مربوط به امور جنگی یا مقررات حالت محدودیت‌های ضروری باشد در صورتی که عمل او موجب اخلاص در نظام (به هم خوردن امنیت کشور) و یا شکست جبهه اسلام باشد به مجازات محارب والا به حبس از دو تا ده سال.

اوامر و نواهی رؤسا، در ماده‌های «۶۱»، «۶۲»، «۶۳»، «۶۴»، «۶۵»، «۶۶»، «۶۷»، «۶۸»، «۶۹» و «۷۰»^{۹۹} (ماده «۴۳»^{۱۰۰} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱) در فرار نظامیان و در ماده «۹۰»

۹۳- ماده ۶۳: کارکنان وظیفه نیروهای مسلح هرگاه در زمان جنگ بیش از پنج روز متوالی غیبت نمایند و عذروجهی نداشته باشند فراری محسوب و پس از دستگیری به حبس از یک تا سه سال محکوم می‌گردند و اگر فرار از جبهه باشد از زمان غیبت فراری محسوب و به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌شوند.

۹۴- ماده ۶۴: فراریان مذکور در ماده (۶۳) این قانون، هرگاه شخصاً خود را معرفی و مشغول خدمت شوند در صورتی که فرار آنان فرار از خدمت در زمان جنگ باشد به حبس از سه ماه تا یک سال و اگر فرار از جبهه باشد به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردند.

۹۵- ماده ۶۶: هر نظامی که در جریان عملیات علیه عوامل خرابکار، ضدانقلاب، اشرار و قاچاقچیان مسلح از محل مأموریت و یا منطقه درگیری فرار نماید در حکم فرار از جبهه محسوب و حسب مورد مشمول مجازات‌های مقرر در این بخش خواهد بود.

۹۶- ماده ۶۷: نظامیانی که در زمان جنگ در مأموریت یا مرخصی هستند یا مشغول گذراندن دوره آموزشی در داخل یا خارج کشور می‌باشند، هرگاه پس از خاتمه مأموریت یا مرخصی یا دوره آموزشی یا پس از فراخوانی قبل از خاتمه آن به فاصله پنج روز خود را جهت بازگشت به محل خدمت به قسمت‌های مربوط در داخل یا سفارتخانه‌ها یا کنسولگری‌ها یا نمایندگی‌های دائمی دولت جمهوری اسلامی ایران در خارج معرفی نمایند چنانچه عذروجهی نداشته باشند فراری محسوب و حسب مورد مشمول مجازات‌های مقرر در این بخش خواهند بود.

۹۷- ماده ۶۸: هر نظامی که در زمان بسیج یا هنگامی که یگان مربوط در مأموریت آماده‌باش رزمی می‌باشد مرتکب فرار شود حسب مورد مشمول مجازات‌های مقرر در این بخش خواهد بود.

۹۸- ماده ۶۹: افراد وظیفه دوره احتیاط و ذخیره که در زمان جنگ احضار شده و به فاصله پنج روز از تاریخ احضار یا فراخوان بدون عذروجه خود را معرفی نکنند فراری محسوب و به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شوند. در صورتی که افراد یاد شده قبل از خاتمه جنگ شخصاً خود را معرفی نمایند، دادگاه مجازات آنان را تخفیف می‌دهد.

۹۹- ماده ۷۰: فراریان مشمول مواد (۶۲) و (۶۴) این قانون، فقط برای بار اول فرار از خدمت می‌توانند از تخفیف مقرر در این مواد استفاده نمایند و در صورت تعدد و یا تکرار فرار از خدمت حسب مورد مطابق مواد (۶۱) و (۶۳) این قانون مجازات خواهند شد.

۱۰۰- ماده ۴۳: پرسنل ثابت نیروهای مسلح هرگاه در زمان جنگ بیش از پنج روز متوالی غیبت نموده عذروجهی نداشته باشند فراری محسوب و به حبس از دو تا هشت سال محکوم می‌شوند و اگر فرار از جبهه باشد از زمان غیبت فراری محسوب و چنانچه فرار آنان موجب شکست جبهه یا وارد شدن تلفات جانی به نیروهای خودی شوند در حکم محارب است و در غیر این صورت به حبس از سه تا پانزده سال و یا تنزیل تا دو درجه و یا مرادف آن از رتبه و گروه محکوم می‌شوند.

(ماده «۶۹»^{۱۱}) قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب (۱۳۷۱) در جرم سرقت وسایل و لوازم نظامی این کیفیت موجب تشدید محسوب شده است. یکی دیگر از کیفیات مشدده، تبانی افراد بوده که در ماده‌های «۲۱»، «۳۳»، «۴۳» و «۷۴» (بند دوم ماده «۱۱»، بندهای اول و دوم ماده «۱۸»، ماده «۲۶»، ماده «۵۲» و ماده «۸۶» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب (۱۳۷۱) پیش بینی شده و در ماده «۳۳» (ماده «۱۸») قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب (۱۳۷۱) به متعدد بودن مرتکبین به عنوان یک عامل مشدده توجه شده است (صبوری پور و رهبر، ۱۳۸۹، ۱۸).

در حال حاضر قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ ترتیبات تعدد جرم^{۱۲} که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پیش بینی شده بود را با تغییرات و اصلاحاتی مورد اشاره قرار داده است. به این ترتیب که در تعدد جرائم مختلف و یکسان، تمیز قائل شده است، به این صورت که اگر جرائم متعدد مختلف نباشند، تنها یک مجازات برای آن‌ها تعیین می‌شود. در صورت تعدد تا سه جرم، تعیین حداکثر مجازات و در بیش از سه جرم، تعیین بیش از حداکثر مجازات اختیاری خواهد بود. در تعدد جرائم تعزیری درجه هفت و درجه هشت (ماده «۱۹»^{۱۳} قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) که مطابق قانون مجازات اسلامی مجازات‌ها جمع می‌شدند، تعیین مجازات تابع مقررات تعدد سایر جرائم تعزیری است و صرفاً یک مجازات برای آن‌ها تعیین می‌شود و در نهایت فقط مجازات شدیدتر اعمال و اجرا خواهد شد. در فرض تعدد نتایج مجرمانه در نتیجه رفتار واحد که مانند تعدد مادی با آن برخورد می‌شد، بدون تشدید مجازات، فقط مجازات جرم اشد اجرا می‌گردد. تعدد همیشه دلیل کافی بر وجود حالت خطرناک نیست و از همه مهم‌تر اینکه، فرد هنوز کیفی را تحمل نموده که این حالت را مطلقاً خطرناک محسوب نموده و اثر مجازات از جمله بازدارندگی در تکرار یا اصلاح را منتفی بدانیم. با توجه به حساسیت بسیار حوزه نظامی، مواردی که می‌توانند مقدمه انجام عملی محسوب شوند، به تنهایی و جداگانه مورد جرم انگاری قرار گرفته‌اند و مشمول مقررات تعدد مادی قرار داده شده‌اند نماید

۱۰۱- ماده ۶۹: هرگاه بزه‌های ارتكابی فوق در موقع اردو کشی یا مأموریت آماده‌باش رزمی یا عملیات رزمی یا در منطقه جنگی باشد یا سرقت آن در مأموریت محوله یگان مؤثر باشد به نحوی که در مأموریت آن اخلال نماید مرتکب به حداکثر مجازات محکوم می‌شود.

102- Multiply Crime

۱۰۳- ماده ۱۹: مجازات‌های تعزیری به هشت درجه تقسیم می‌شود: درجه هفت: حبس از نود و یک روز تا شش ماه. جزای نقدی بیش از ده میلیون ریال تا بیست میلیون ریال. شلاق از یازده تا سی ضربه. محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه. درجه هشت: حبس تا سه ماه. جزای نقدی تا ده میلیون ریال. شلاق تا ده ضربه.

(صبوری پور و رهبر، ۱۳۸۹، ۱۹). قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ به تعدد جرم توجه نموده است مانند ماده «۳۷»، ماده «۴۱»، تبصره ماده «۴۵»^{۱۰۴}، ماده «۴۹»، تبصره دوم ماده «۷۹»^{۱۰۵}، ماده «۹۴» و ماده «۱۱۹» (ماده «۲۲»، ماده «۲۴»، ماده «۲۸»، ماده «۳۲»، ماده «۷۲» و ماده «۹۴» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱).

قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ صرفاً در ماده «۷۰» راجع به فرارهای مشمول ماده‌های «۶۲» و «۶۴» ترتیبی جهت اعمال مقررات تکرار جرم پیش بینی نموده است. به طور کلی در تکرار جرم تابع قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ خواهد بود که این امر با مشکلاتی مواجه می‌باشد زیرا که حسب مجازات‌ها از جهت میزان و نوع، موجب منتفی شدن ترتیبات تکرار جرم می‌گردد. برای مثال در مورد اخراج که می‌تواند در نتیجه تکرار برخی جرائم، به ویژه در جرائم مختص نظامی‌ها، مورد پیش بینی قرار گیرد اما از آنجایی که رابطه فرد با اخراج با حوزه نظامی به طور کلی قطع خواهد شد، تشدید آن منتفی می‌باشد و در نتیجه فرد به طور دائم از حق استخدام در نیروهای مسلح محروم گردد. پرسنل وظیفه‌ای که به محکومیت‌هایی محکوم شوند که قاعدتاً مستلزم اخراج است چون چنین پرسنلی را نمی‌توان اخراج کرد بقیه دوران خدمتی خود را که پس از طی محکومیت می‌گذرانند، مثل سرباز عادی خدمت خواهند کرد (الهام، ۱۳۸۹، ۶۹). در ایالات متحده آمریکا تعدد جرم به آن معنا که در حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران آمده است وجود ندارد بلکه نظام کیفری این کشور از رویه واحدی پیروی می‌نماید (میرمحمدصادقی و درزی رامندی، ۱۳۹۹، ۵۴). در حقوق کیفری ایالات متحده آمریکا تعدد جرم به مواردی اطلاق می‌شود که متهم پیش از اثبات اتهام و محکومیت سابق جرم و یا جرائم جدیدی را مرتکب شود. لذا چندگانگی این جرائم؛ هم شامل جرائمی که مجرم در خلال محکومیت و اجرای مجازات مرتکب شده و هم جرائم پیشین را شامل می‌شود. در تعدد جرم، دو موضوع مطرح می‌شود: نخست، انتخاب قانون برای تعیین درجه مجازات و دوم بررسی همزمانی ارتکاب جرائم برای اثبات محکومیت. به تعبیر دیگر، تعدد جرم به جرائمی اشاره دارد که بیش از یک قانون را نقض می‌کنند، به طوری که تبرئه یا محکوم شدن تحت یک عنوان قانون موضوعه، متهم را از تعقیب تحت عنوان دیگر، معاف نمی‌کند. سیاست کیفری در قبال این جرائم، از این قاعده کلی

۱۰۴- تبصره: چنانچه در اثر تعرض صدمه‌ای به نگهبان یا مراقب وارد آید که موجب قتل یا جرح یا نقص عضو شود مرتکب حسب مورد به قصاص یا دیه نیز محکوم می‌گردد.

۱۰۵- تبصره ۲: مرتکبان جرائم مذکور چنانچه برای انجام اعمال فوق مرتکب جرم ارتشاء نیز شده باشند به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردند.

ناشی می شود که استفاده پیش فرض در مورد محکومیت‌های متعدد همزمان، اجرای همزمان مجازات‌ها است. هرگاه رفتار واحد، عنوان جرائم متعدد داشته باشد، اگر مجموع آن جرائم دارای یک عنوان خاص باشد تحت همان عنوان و در غیر این صورت با توجه به شرایط وقوع جرم و با توجه به تناسب به مجازات شدیدترین جرم محکوم خواهد شد نمایند (میرمحمدصادقی و درزی رامندی، ۱۳۹۹، ۵۶). در حقوق ایالات متحده امریکا، تعدد جرم حالتی که شخص تا زمان اجرای مجازات و یا حین اجرای مجازات، مجددا مرتکب جرم شود را نیز شامل می‌شود (Girdenis, 2009, 141).

عواملی مانند ایراد صدمه بدنی شدید، قتل، ارتکاب جرم در زمان تعلیق، ارتکاب جرم در زمان آزادی مشروط، تکرار جرم، سردستگی در ارتکاب جرم، افزایش تعداد بزه دیدگان جرائم، ارتکاب جرم به شیوه خشونت آمیز، رفتار غیرانسانی در زمان ارتکاب جرم و استفاده از سلاح در حقوق ایالات متحده امریکا از کیفیات مشده بیان شده است (Champion, 2007, 6). در قوانین ایالات متحده امریکا هدف دادگاه‌های نظامی در تشدید مجازات جلوگیری از آسیب به امنیت نیروهای مسلح است. در حوزه نظامی تشدید مجازات‌ها بر این اساس اعمال می‌گردد: براساس قوانین نظامی فدرال و ایالتی؛ براساس تصمیم دولت مرکزی و نظامنامه دادگاه‌های نظامی ایالات متحده امریکا که جمعیت غیرنظامی مرتکب آشوب و اغتشاش شده اند؛ تشدید مجازات‌ها با توجه به جرائم مختلف در زمان جنگ با قانون جنگ. نهادهایی که صلاحیت اعمال تشدید مجازات را دارند به این شرح می‌باشد: دادگاه‌های نظامی برای محاکمه جرائم مخالف با قانون جنگ؛ کمیسیون‌های نظامی و دادگاه‌های پادگانی (در نواحی اشغالی) برای محاکمه موردی تحت حوزه آن‌ها؛ دادگاه‌های تحقیقاتی برای بازجویی و بررسی جرائم شدیدی که به چنین دادگاه‌هایی ارجاع داده می‌شود توسط قائم مقام دارای صلاحیت؛ مجازات‌های غیردادگاهی و اقدامات و تدابیر یک فرمانده. در تشدید مجازات که براساس اساسنامه حاکم بر سازمان‌های نظامی و قوانین موجود می‌باشد رئیس جمهور و فرماندهان نظامی به موجب قوانین و براساس صلاحیت و مقام ذاتی می‌توانند تقاضای تشدید مجازات نمایند. هدف دادگاه نظامی در تشدید مجازات ضمن بالا بردن سطح عدالت و نظم جلوگیری از آسیب به امنیت نیروهای مسلح است. تشدید مجازات می‌بایست به صورتی اعمال گردد که یکپارچه با هدف قانون نظامی باشد.

در حقوق جمهوری اسلامی ایران، اصل بر عدم جمع مجازات هاست اما در حقوق ایالات متحده امریکا اصل بر جمع مجازات‌ها در مرحله اجرای حکم است و تعیین یک مجازات نیازمند تصریح در قانون است. علت تفاوت قوانین دو نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا به نگرش

قانون‌گذاران آن‌ها برمی‌گردد؛ چراکه غرب برای اعمال قوانین تشدید مجازات، متوسل به منطق‌هایی مانند منطق کیفری فایده‌گرایی^{۱۰۶}، منطق اقتدارگرایی قانون^{۱۰۷}، منطق توازن و نظم اجتماعی^{۱۰۸} و امثال

۱۰۶- فایده‌گرایی، سودمندگرایی، فایده‌باوری، اصالت سود، اصالت نفع یا یوتیلیتاریانیسم (Utilitarianism) که مطلوبیت‌گرایی و منفعت‌گرایی نیز ترجمه شده است، شاخه‌ای از نظریه‌های اخلاقی پیامدگرایانه و تلاشی برای پاسخ به این پرسش است که «چه کار کنیم؟». بنا به سودمندگرایی، اخلاقی‌ترین عمل، عملی است که «سودمندترین گزینه برای طرفین اثربزیر» باشد، حتی اگر مضر (ذاتاً شر) باشد. گرچه در فایده‌گرایی فردیت و اختلافات فردی لحاظ می‌شود ولی همه آن‌ها در پس پیامدگرایی به حداکثر رساندن مطلوبیت و مفاهیم مرتبط با آن لحاظ می‌گردد. فایده‌گرایی نسخه‌ای از نتیجه‌گرایی است که بیان می‌کند پیامدهای هر عملی تنها معیار درست و نادرست است. فایده‌گرایی برخلاف دیگر انواع نتیجه‌گرایی، از قبیل خودپرستی و ایثارگرایی، منافع همه انسان‌ها را به یکسان در نظر می‌گیرد. مطابق با این دیدگاه هرگاه جامعه فایده خود را در مجازات یک شخص در نظر بگیرد در این صورت بایستی مجازات یاد شده برای تشفی اذهان عمومی مورد اعمال قرار بگیرد. درواقع این جامعه است که در نظر می‌گیرد نفع اجتماعی اش با اعمال مجازات بیشتر تأمین می‌شود، حتی برخی از اندیشمندان این حوزه به بعد فلسفه اقتصادی کیفرگرایی نظر انداخته و بر این عقیده مهر تأیید می‌زنند که کیفر بایستی به نحوی باشد که از نظر اقتصادی توجیح پذیرترین روش باشد. به عنوان مثال اگر فردی به اموال عمومی آسیب برساند در این حالت اعمال مجازات بدنی برای وی نمی‌تواند ثمره و فایده درخور توجهی را داشته باشد. از این رو بایستی برای این فرد کیفری مانند پرداخت خسارت و جزای نقدی در نظر گرفته شود تا فایده آن به اجتماع بازگشته و زیان وارد شده جبران گردد (ابراهیم آبادی، ۱۳۹۵، ۱۵).

۱۰۷- اقتدارگرایی عقیده‌ای در حکومت یا رفتاری از حکومت «از بالا» است و در آن قدرت سیاسی بر جامعه بدون توجه به رضایت آن تحمیل می‌شود. بنابراین اقتدارگرایی مفهومی متفاوت از اقتدار است. اقتدار مبتنی بر مشروعیت است و در آن معنا «از پایین» به وجود می‌آید. اقتدارگرایی بر انواع بسیاری از حکومت‌ها قابلیت اطلاق دارد و می‌توان آن را به پادشاهی مطلقه، دیکتاتوری سنتی و بسیاری از اشکال حکومت نظامی مربوط کرد؛ همچنین می‌توان برداشت‌های راست‌گرایانه و چپ‌گرایانه از اقتدارگرایی را در قالب مفهوم کمونیسم و کاپیتالیسم تعریف کرد (هیوود، ۱۳۹۱، ۱۹۰). می‌توان گفت اقتدار همان‌گونه که ماکس وبر جامعه‌شناس آلمانی اظهار می‌دارد مبتنی بر قدرت مشروع است در حالی که اقتدارگرایی فاقد این ویژگی یعنی مشروعیت است. وبر مبنای مشروعیت بخش اقتدار را در قالب سنخ‌شناسی سه گانه اقتدار قانونی عقلانی، سنتی و فرماندانه یا کارزماتیک تعریف می‌کند که به عنوان طرحی کلی برای تحلیل اشکال خاص قدرت مورد استفاده قرار گرفت (استونز، ۱۳۸۷، ۶۶). مطابق با این دیدگاه، قانون به مثابه دستورالعمل لازم‌الرعایه برای تمامی مردمی که در حیطه سرزمینی مشخصی زندگی می‌کنند بایستی اقتدار خود را نشان دهد، اگر قرار باشد هر شخصی به خود این اجازه را بدهد که از قانون سر باز بزند آن را با دیده حقارت بنگرد در این صورت قانون یاد شده نمیتواند قدرت اجرایی داشته باشد و چنانچه قرار باشد برای رسیدن به اهداف و آرمان‌های اجتماعی نظمی در بین مردم برقرار باشد لاجرم قانون نیز بایستی اقتدارگرا باشد. از همین رو منطق عملی کیفر، حفظ اقتدار قانون است که در این حالت با اعمال کیفر اقتدار مفاد قانونی حفظ می‌گردد (ابراهیم آبادی، ۱۳۹۵، ۱۵). عصر حکومت قاجاریه، به ویژه پیش از انقلاب مشروطه را می‌توان جلوه‌ای تمام عیار از گفتمان اقتدارگرایی دانست که در

آن‌ها می‌شود؛ از این رو تلاش می‌نمایند تا برای اعمال این مقوله از مجازات‌هایی مانند حس بهره ببرند. قوانین کیفری جمهوری اسلامی ایران که نشأت گرفته از قواعد فقه اسلامی است، مبنای تعدد جرم را بر اصلاح‌گرایی و حفظ شخصیت بعد روحانی انسان بنا نهاده‌اند (ابراهیم آبادی، ۱۳۹۵، ۲۲)، اما در باب تعزیرات، بر مبنای قواعد عرفی بنا نهاده شده است (میرمحمدصادقی و درزی رامندی، ۱۳۹۹، ۶۸).

نتیجه

در هر دو نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا قانونگذار به موضوع تشدید مجازات و تخفیف مجازات در نیروهای مسلح اشاره نموده است، لذا از جهات اشتراک در تخفیف مجازات، به اعمال آن توسط محاکم نظامی می‌توان اشاره نمود. در نظام کیفری نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران تخفیف مجازات مطابق نظر دادگاه صادرکننده حکم می‌باشد ولی در قانون نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا علاوه بر دادگاه صادرکننده حکم، مطابق نظر فرماندهان نظامی نیز امکان پذیر می‌باشد. همچنین از جهات اشتراک در تشدید مجازات، به اعمال آن توسط محاکم نظامی می‌توان اشاره نمود. اما از جهت افتراق نوع دیدگاه قانونگذار جمهوری اسلامی ایران با ایالات متحده آمریکا متفاوت است؛ زیرا در نظام کیفری نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران علاوه بر قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، کیفیات مشدده مقرر در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در موارد سکوت قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ نسبت به افراد نظامی مجری می‌باشد، ولی در نظام کیفری نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا تشدید مجازات طبق قانون نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا صورت می‌پذیرد. همچنین فرماندهان نظامی براساس صلاحیت و مقام ذاتی می‌توانند تقاضای تشدید مجازات برای اشخاص نظامی نمایند.

طول تاریخ چند هزارساله شاهنشاهی ایران زمینه را برای استقرار قدرت مبتنی بر خشونت فراهم آورده بود. در قلمروی این قدرت خشونت مدار بیش از هر چیز بر اقتدار و اطاعت مطلقه از شاه، پدرسالاری سیاسی، قداست دولت و ارتباط پیوسته آن با خدا و سرانجام ساختار عمودی و غیرمشارکتی جامعه تأکید می‌شد (بشیری، ۱۳۹۴، ۶۵).

۱۰۸- این بنیان فکری عملی ابراز می‌دارد که وقتی یک جرم در جامعه‌ای توسط شخص یا اشخاصی ارتکاب می‌یابد در واقع نظم عمومی اجتماعی از بین می‌رود. این نظم رویه‌ای بوده است که می‌توانسته آرمان‌ها و اهداف جامعه را برای رسیدن به مقصود نهایی خود تأمین نماید و جرم به وجود آمده موجب اختلال در این فرایند شده است و اگر قرار باشد نظم مجدد به اجتماع باز گردد لازم است برخورد کیفری لازم صورت پذیرد تا نه تنها در این مقطع انتظام سابق اجتماعی بازگردانده شود بلکه در آینده نیز به دلیل برخورد و ضمانت اجرای کیفری که وجود دارد، نظم اجتماعی از بین نرود (ابراهیم آبادی، ۱۳۹۵، ۱۵).

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- ابراهیم آبادی، فرشته، ۱۳۹۵، فلسفه تشدید مجازات در دستگاه فلسفی حقوق غرب و حقوق اسلامی، فصلنامه مطالعات علوم انسانی، شماره ۶.
- استونز، راب، ۱۳۸۷، متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه مهرداد میردامادی، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز.
- الهام، غلامحسین، ۱۳۸۹، حقوق جزای نظامی، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر.
- ایسپره، اسفندیار، ۱۳۸۹، کیفیات مخففه و مشدده در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح و مقایسه آن با قانون مجازات اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه پیام نور.
- بشیریه، حسین، ۱۳۹۴، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی دوره جمهوری اسلامی، چاپ هفتم، تهران، انتشارات نگاه معاصر.
- دلیر، حمید، ۱۳۸۵، تخفیف و تبدیل مجازات در دادگاه‌های نظامی، ماهنامه دادرسی، شماره ۵۷.
- رالز، جان، ۱۳۸۷، نظریه عدالت، ترجمه سیدمحمدکمال سروریان و مرتضی بهرامی، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- صبوری پور، مهدی و رهبر، مهتاب، ۱۳۹۸، تحلیل رویه قضایی دادگاه‌های نظامی در خصوص اختیارات قاضی در تشدید و تخفیف کیفر، فصلنامه تعالی حقوق، شماره ۶.
- مهرا، نسرین؛ یکرنگی، محمد؛ موذن، عباس، ۱۳۹۷، سیاست کیفری بعد از انقلاب در تعزیرات، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۰۳.
- مهرا، نسرین؛ قرچی بیگی، مجید؛ موذن، عباس، ۱۳۹۶، تحلیل تطبیقی الگوهای کیفردهی در نظام کیفری ایران و انگلستان، فصلنامه حقوق کیفری، شماره ۲۰.

- میرمحمدصادقی، حسین و درزی رامندی، علیرضا، ۱۳۹۹، بررسی تطبیقی تعدد جرم در حقوق ایران و امریکا، **دوفصلنامه حقوق تطبیقی**، شماره ۱۳.
- هیوود، اندرو، ۱۳۹۱، **مفاهیم کلیدی در علم سیاست**، ترجمه حسن سعیدکلاهی و عباس کاردان، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- یزدیان جعفری، جعفر، ۱۳۸۵، اصل فردی کردن مجازات‌ها تبعیضی فاحش یا عدالتی عادلانه تر؟ **فصلنامه حقوق اسلامی**، شماره ۱۱.

لاتین

- Champion, John, 2007, Sentencing: A Reference Handbook, California, ABC-CLIO, Inc.
- Girdenis, Tomas, 2009, The Concept of Multiple Offenses: Theoretical and Practical Problems, Societal studies, Vol. 4, No. 4.

